

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

هادی بهزاد

## کلید در گنج صاحب هنر

ارویای غربی و ژاپن به جریان نفت خلیج فارس بستگی دارد" مواضع ایالات متحده را در زمینه حوادث اخیر منطقه با این عبارات توضیح داده است: "من و رهبران کشورهای شما به این توافق رسیده ایم که راهی برای عقب نشینی وجود ندارد. ما نمی توانیم اجازه دهیم خلیج فارس که یک آب راه بین المللی است بروی مبادلات جهانی مسدود شود."

بحث از چند وجوه عللی که مسائل منطقه را تا این درجه پیچیده و سردرگم ساخته است و اینکه رئیس جمهوری ایالات متحده تا چه حد به تشخیص و قبول سهم خود در این آشفتگی آما دگسی دارد، بقیه در صفحه ۲

سید رضوانی

## دیپلماتی آذینداری

لطف حق با شما را کند چون که از حد بگذرد رسوا کند

توطئه دزدیدن ادوار دجا پلین نفر دوم هیأت حفاظت متافع انگلیس در ایران، برای شریک حادثه پیش بینی شده نا فرجام ماند و عوض آنکه مقام جمهوری اسلامی را بر آورده کننده برای رژیم اسلامی رسوائی ببار آورد.

بقیه در صفحه ۵

## آثار مطهری

### زیر تیغ سانسور اسلامی

حجت الاسلام هادی غفاری، نماینده مجلس شورای اسلامی و از سرکردگان حزب الله، دستور تیراندازی به سوی قرآن داده است، می گوید: "علی به ما یاد داده است که قرآن بر سر سوزنیزه، عمرو عاص را به تیر ببندد، و قفا هتی را که مد عیش سرمایه دارانند به تیر ببندد..."

به گفته حجت الاسلام هادی غفاری، امروز همه آن فقهای کذب نام فقه سنتی از بقیه در صفحه ۴

## نامه سرگشاده دکتر تاپور بختیار

### به ریگان

حقوقی و اخلاقی از طرف رژیم خمینی، هر چه بگوئید کم گفته اید، ولی بفرمائید چه نیروها طی هشت سال تمام، با هزار و یک نیرنگ، دولت آخوندهای فاسد و فستورا تقویت کرده اند؟ همه ایرانیان می دانند که شما دول غربی، بمنظور حفظ بقیه در صفحه ۱۲

## گروه سلبین خطر خمینی را جدی می بینیم

از: امیراسیون

مکوبه بیروزی می رسد، این مسرد که چهره اش برای توده مردم چندان شناخته نیست، روستیلاو اولیا نمکی نام دارد. اولیا نمکی در دوران زمامداری استالین سش از با نژده سال در گولاگ بسر برد و در عهد خروشفت حیثیت او احیا شد. و اکنون بیش از بیست سال است که مدیریت بخش آسیایی اداره اصـصـور بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی را بر عهده دارد. اقامت در گولاگ بر بسیاری از مومع گیریهای اولیا نمکی تاء شیر نهاده است اولیا نمکی، علی رغم خشک گویی بسی خطا و اصولیت بی خدش اش نسبت به پیوستیزی عاطفه ای خاص دارد.

هم است که در دوران انقلاب فرهنگی چین با صراحت معادله "ما تومسوی استالین" را جا انداخته وی همچنین،

بقیه در صفحه ۲

این روزها یک پیر مرد هفتاد و نه ساله در

حینتی متکان

## آزادی یعنی آزادی

آقا سید علی آقا دست بردار نیست، با زهم در مقوله "آزادی" رطب و بیابان به هم می بافد و همچنان اصرار دارد ثابت کند که آزادی به آن معنی که متفکران غربی از آن دم میزنند و مردم مغرب زمین آنرا شناخته اند آزادی نیست، بقول "جرج ارول" آزادی یعنی بردگی... یعنی تعبد.

این ردیلانه ترین نوع دشمنی با آزادی است که بیخواهند مفهوم آن را قلب کنند و به مردم بقبولانند که آزادی چیزی است غیر از آزادی. بقیه در صفحه ۱۲

آقای رئیس جمهوری، من بنام یک ایرانی، بس از اطلاع از معاویه اخیر شما، که ایران را "ملکیتی وحشی و بربر" خواندید، با نهایت تاءسف، این نامه سرگشاده را برای روشن کردن ذهنتان، ارسال می دارم. هیچ فردا ایرانی، زهر طبقه ای که با شما با هر نوع تفکر سیاسی که داشته باشد، نمی تواند این سخن اها نت آمیزتان را نادیده بگیرد.

شما شخص مسئولی هستید و تقاضای های شما، در مقامی که هستید، منعکس کننده نظر دولت ایالات متحده آمریکا به حساب می آید. البته شما از بربریت خمینی و تروریست پروری و زیر پا گذاشتن اصول

تشریفات قانونی بهمن خسته

## حکومت استبدادی قانون

اگر فرض را بر این بگذاریم که آیت الله منتظری یکی از کسانی است که بیشترین اطلاع را از آنچه در جمهوری اسلامی می گذرد دارند، آنگاه با پذیرفتن که این رژیم هیچ دلیلی ندارد برای آن که به خود مباحات کند، قضیه از این قرار است که بقیه در صفحه ۴

بیستمین سالگرد

## جنگ نشن روزه

دقیقا "بیست سال پیش از این جنگ شش روزه" اعراب و اسرائیل - ۵ تا ۱۰ ژوئن ۶۷ - چهره منطقه را تغییر داد. این سومین جنگ اعراب و اسرائیل بود. اولین جنگ، در سال ۱۹۴۸ به اجرا چدها هزار فلسطینی از موطنشان انجا مید.

بقیه در صفحه ۳

## وحشی بافتی و

## مکتب وقسوع

در صفحه ۶

معرفی کتاب

## دکتر و متفکران و انقلابی

در شماره گذشته به ترکیب کتاب تازه "برهنه جلیبل بزرگمهر" اشاره کردیم و یاد آور شدیم که بزرگمهر در تاءلیف جدید خود به نقل صورت جلسه های محاکمه اکتفا ننموده و ضمن گزارش ۲۶ جلسه، دادگاه، به شرح و بسط چوچا کمبرمحا که برداشته و بسیاری از فعل و انفعالات پشت پرده را که رژیم کودتا برای در مضیقه گذاشتن صدق و بهائجا مرساندن این محاکمه فرمایشی بعمل آورده، بصراحت بیان کرده است. لازم به یاد آوری است که ۹ جلسه از ۲۶ جلسه محاکمه به موضوع نقاشی سرورنده و ایراد به ملاحبت دادگاه اختصا دارد و در بیان جلسه نهم، دادگاه به اکثریت آراء به ملاحبت خود را می مدهد. و رئیس دادگاه اظهار میسارده که: "یک نفر را می مخالف داده ولی شناختن اولی و زومی ندارد" و آای اقلیت در اعلام قرار خوانده نمی شود. ولی عاقبت در شریکی های بعدی اظهار نظر اقلیت بدست می آید: سرتیب مصطفی نوتاش یکی از دادگرا ن در نظر خود نوشته است:

بقیه در صفحه ۸

## در دادگاه

## تجدید نظر

## نظراتی

بقیه از صفحه ۱

حکایت مفصلی است که نقل آن به فرستی طولانی نیازمند است. قصداً برای این مقدمه، تا آنکه در دنباله‌ی سخنان ایشان در مقام پیشوائی یک ابرقدرت و طبعاً "برکدار" برخواستن چنانی است که خواه‌ناخواه ذهن هر آدمیزاد متعارفی را بسوی این پرسش‌ها سوق می‌دهد که:

"براستی دستیابی بر در و سر و آفتابی مادر ساری اینگونه دیده‌ها و داوریه‌ها بکجا کشیده می‌شود و اصولاً در چینی‌ها چنانی معیار تمیزانسانهای مسئول و غیرمسئول چیست؟"

آقای ریگان خطاب به خبرنگاران ادامه می‌دهد:

"آیا شما می‌توانید تصور کنید، اگر همه ما عقب نشینی کنیم و بگوئیم این کشور بربر ( منظورش ایران است ) حق دارد که این آب را به بین المللی را مسدود کند، چه عواقب ویرانی‌هایی برای بسیاری از کشورهای پدید خواهد آورد؟"

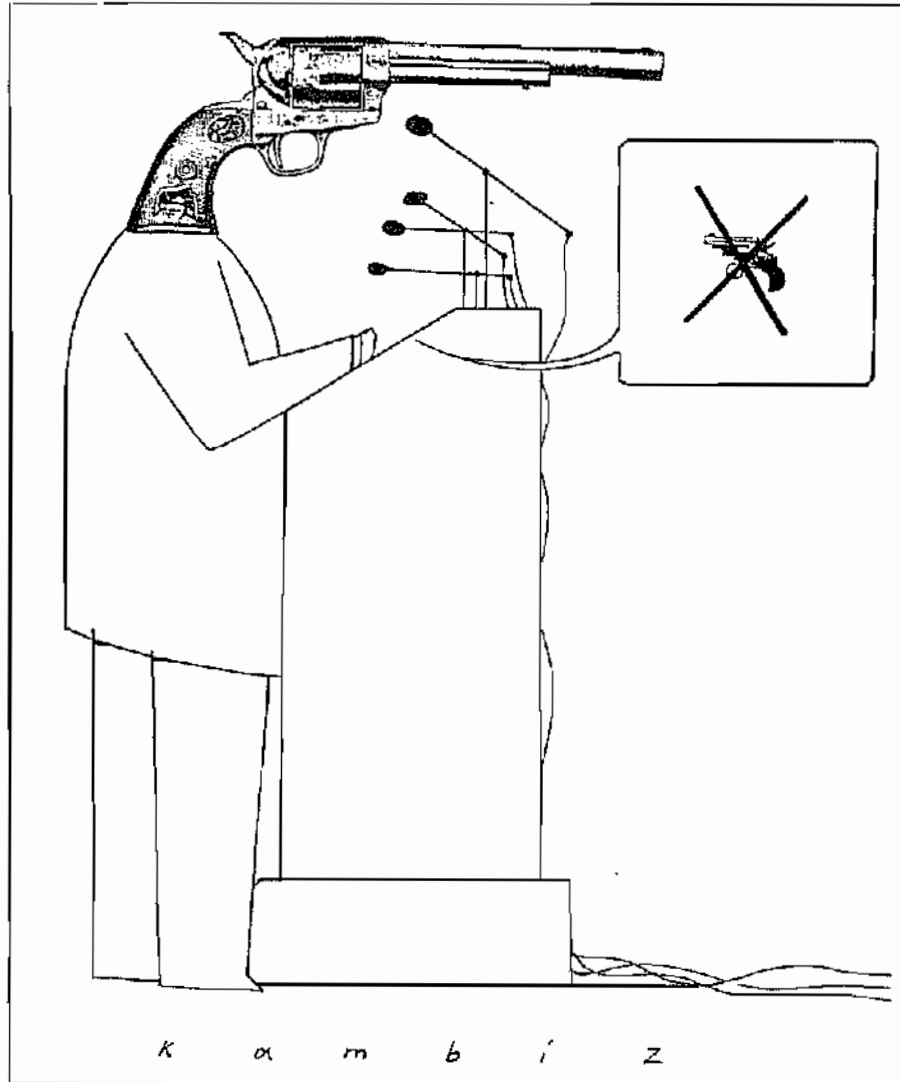
نیازی به تخریب و اطلاعات حرفه‌ای و اجتهاد در علوم سیاسی نیست، هر کس که طی تجربیات روزمره زندگی، کم و بیش با مفهوم سیاست آشنا شده است، میدانند که زبان دیپلماتی برای خود الگوهای دارد. در این زبان خاصه وقتی روایت از دولت مردان و سیاست پیشگامی است که در صحنه‌های جهانی قدم‌و آثاری یافته‌اند، نه تنها کلمه‌ها و عبارات که حتی لحن و ادای مطلب نیز مقیاس‌ها و ریزها و تغییرها است و لای پدید است که آقای ریگان برای اینگونه مقولات اعتباری قائل نیست و اگر خود چنین نظری را نمی‌پذیرد، تا کزیرباید بپذیرد که با تاریخ و با واقعیت‌ها و با لایق با معنای لغات آشنا نشی ندارد:

بی‌محابا انگ "توحش و بربریت" را بر پیشانی کشور و طبعاً "ملت کوفتن - ملت که آرزوی تمدن و فرهنگ کلانسالش بر تارک قرون و اعصار درخشیده است، آیا دلیل بیگانگی با تاریخ نیست؟

در کنار این انبوه سازمان‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی و ضدجاسوسی و جاسوسی و خبرگیری و خبررسانی، عذاب و اسارت ملتی را در زنجیریک رژیم جهانی نادیده گرفتن و خیانت این هیولای خونریز و دیوانه را به تمام می آن کشور و ملت مصیبت زده تری دادن آری نشانه‌ی بی‌خبری و دست کم سهل‌انگاری مدعی نیست؟

نکته این است که آقای رئیس جمهوری حتی اگر اتهام خود را در محدوده‌ی "رژیم" جمع و جور کنند و بگویند که زسرسه کلمه‌ی (کشور) را بجای (رژیم) نشانده‌اند، باز هم کمکی به برائت خود نکرده‌اند. چرا که این سارنوبت ملت ایران است که سؤال کند، این کدام دستی است که به دست زنگی مست تیغ سیرده است؟ آیا این قاصدان بی‌پایی که قریب دو ساله از مغان محبت و "عنایت" ایشان را به

# کلید در گنج صاحب هنر



آزاد" به‌بهای سرکوب اقوام و غارت سرزمین‌هایی چون ایران، بنیادان گرفته‌است، بحث از بی‌مایگی در داوریه‌ها است. نه آقای رئیس جمهوری!

ایران سرزمین "بیرونی‌ها و بی‌وعلی‌ها و فواری‌ها و رازی‌ها و خیام‌ها و مولوی‌ها

دربار "بربرها" کشیده و "خسدا و ابراهیم خلیل و کلیسا و مسجد" را شاهد "دوستیهای باقی" گرفته‌اند، خودبیر وجود "سخنیت" ها گواهی نمی‌دهند؟ برای آن کس که رهبری "جهان آزاد" و به تعبیر کمال تره‌دایت "جهان اندیشه‌ی آزاد" را مدعی است، مطالعه در هویت "کشورها" و میراث فرهنگی آنها - اگر نه در سطوح خبرگاران و کارشناسان - لااقل در حدی که کاربرد "کلمات" را تصحیح کند، یک شرط اجتناب‌ناپذیر است. برای آقای ریگان قبل از آنکه، بی‌هیچ ملاحظه‌ای داغ "بربریت" را بر تناسنامه "ایران" بگویند، به آسانی میسر بود با مراجعه به انبوه‌خبرگان کشور خود (در قلمروهای ایران شناسی و تاریخ و سرگذشت باگیری تمدن بشری)، مطلع شوند که ترکیب "ایران" و "بربریت" حتی بر یک طفل دبستانی نیز زینده نیست.

دشوار نبود که لااقل بهنگام چینی‌ها "انفاختی"، پیشا بیش، از زبان اهل نظربشوند که نه‌فون‌ها، که هزاره‌ها قبل از دستیابی ملاحان و کابوهای ما جرابویه‌دیارینکه دنیا - در همین کشور بزم ایشان "بربر"، بیگانه‌های عظیم از تمدن آدمیزاد بالا رفته‌است. این از "تفاخر بر استخوان پوسیده‌ی پدر" و نیز حکایت ابرقدرت و "تمدنی" نیست که در سراسر این "دنیای اندیشه‌ی

وسعدی‌ها و حافظ‌ها" است، دیوار بربرها نیست، بگذارید مردمی از "بربریت" و "تمدن" بگویند و ببینند که بنیادنی با "بربرها" نیست و بکیسه‌ی آدمکش‌ها و آدم‌زده‌ها با ج خوشدستی نریخته‌اند.

آقای رئیس جمهوری در هر قدم انگیزه‌های جنگ و خصومت خود را با کمونیسم به نفع از "توتالیتریزم" و اختناق بسته‌اند، آیا به اعتقاد ایشان "استبداد و خودکامی" تنها در رحم کمونیسم نطفه می‌بندد؟ و از اینکه بگذریم، هر جناحیت و زوالتی ولو در حد قارت و انهدام یک ملت و سرکوب انسانها بدلیل معتقدات سیاسی و حتی مذهبی و قتل عام اطفال نه‌ساله و ده‌ساله، قابل تحمل و چشم‌پوشی می‌شود؟

اعتبارایمان‌ها را چگونه و کجا باید سنجید؟

آری حتی اگر مقصود از "کشور بربر" آن رژیم لعنتی است که سرزمینی را به آتش کشیده و مردمی را به عزانها نسله است، این همان "بربر" کذا است که تا پنج ماه پیش با رسولان صلح و هدا‌یای آشتی شما حال کرده‌است و کسی چه می‌داند که هنوز هم حال میکند و بهر صورت‌های کاشی‌سی از "دولت‌مردان جهان بناه" محض آشنائی به حال و حال ملت‌ها و پرهیز از لغزش‌ها به‌خواندن و دانستن روی میآوردند و دست کم در مقام "سخن" بیاد میآوردند که قرن‌ها پیش از کشف سرزمین پر نعمت آمریکا، از همان "کشور" بزم آقای رئیس جمهوری "بربر"، اندیشمندی بنا می‌سعدی در "فواکد خا موشی" و "آداب تکلم" به‌رازی دست یافته‌است که گویا تا چرخ فلک در گردش است، اهل اندیشه را بکار میآید.

زبان دردهان ای خردمند چیست  
کلید در گنج صاحب هنر  
چو در بسته باشد چه‌اندکسی  
که جوهر فروش است با بیله‌ور

## بزرگداشت سالروز ولادت مصدق در وین

استقلال واقعی ایران و همچنین نقش دکترنا سوریکتیا در ریداد و مبخشیدن به راه مصدق و نهضت ملی ایران بخیراتی حامی اسرار کرد. در قسمت بعدی برنا مه‌ساز زقراشت یک قطعه شعر دربارا بران و اجرای حشد قطعه موسیقی اسبیل ایرانی بوسیله دو هنرمندان ایرانی طرفدار نهضت مقام ملی ایران، فیلم "سقوط سبک امرا سوری" - که موضوع آن مبارزات مردم ایران با استعمار برای کسب حقوق حقه خود ملی کردن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق می‌باشد. به مسرفین سبای کذاستند.

بنا به دعوت نهضت بقا و امت ملی ایران - با حه اتریس - روز جمعه ۱ خرداد ۱۳۶۶ برابر با ۲۲ ماه مد ۱۹۸۷، بیعت سبک سگد و بنجمین سالگرد ولادت مصدق، مراسمی در خانه، ایران در سپروین برکذا شد. در این مراسم بزرگداشت، که ۱۶ تن از ایرانیان مضم و سن مارکت داشتند، برنا‌های به‌این شرح اجرا شد: در آغاز، مسئول تکلیل نهضت بقا و امت ملی ایران ناخه وین، آقای تسراب مستوفی به‌حاضران خیر مقدم گفت. سپس آقای حمید سمان، عضو کمیته، اجرائی با حه وین دربارا اهمیت مبارزه، دکتر مصدق برای برقراری آزادی و دموکراسی و نمکن از قانون اساسی و نا- بسسن

# کرملین خطر خمینی را جدی

## میگیرد

بقیه از صفحه ۱

علی رغم این نظریه صلیب سرخ سوئد خمینی را چهره ای جدا میرا لبسارریا می کرد، انقلاب اسلامی را برای اتحاد شوروی و خاورمیانه خطری مهلک می دانست. اما امروزه، کارشناسان شوروی در مسائل اسلامی (اولیا نیکسکی پروتستانت، بوداری سیمونت اهل کرجستان و رئیس فعلی مؤسسه روابط بین المللی و وزی بریما کسوف کارشناس معتبر مسائل مصر) بدان نتیجه و احاطه شده اند که زمان آن آمده است که به نا زون خوب رژیم جمهوری اسلامی پایان داده شود.

حیدر علی سفیر ایران در بیروت کمیونسلیت جمهوری آذربایجان شوروی و سعادت رومینگ این استراتژی در هیأت سیاسی که اخیراً به یک حمله قلبی دچار شده است، از سال ۱۹۸۳ دست به کار می ریزی سالکده سیاسی تازه ای در مورد خاورمیانه زده است. اصول نظریات وی را می توان به آسانی در سه بخش گنجانند:

۱ - انقلاب اسلامی برای شوروی نیز به اندازه "امریکا لیم" خطرناک است، و تسویق و میدان دادن بدان بدویزه برای کشورهای سوریه، مصر، عراق و حتی ترکیه که نهایتاً آنها در نهایت برای مسکو اهمیت دارد، کاری خطرناک و بی حاصل است.

۲ - شوروی باید برای آنکه سیاست متحدان نزدیکش، بویژه زاهد گورهای جوی عربستان سعودی و مصر، با تروریسم و براندازی های داخلی مترادف نباشد، در سیاست کردن آنها بکوشد. اما اعمال چنین سیاستی که مشکلات جدی بسیار آورده است، از جمله هنگامی که علی ناصر رئیس جمهوری یمن شمالی، در آنلسب ترا گرفتار آمدن این سیاست به انحلال رژیم محلی منجر شد. در لیبی و سوریه نیز اعمال این سیاست همواره کاری بسیار ظریف و با ریک بوده است، اما هتسور و همچنان برقرار رود و ما است.

۳ - اگر اتحاد شوروی، از این توهم، کسود کوبا متحدانش را مدد در مدد بزرگتر خود دارد، دست بردارد، می توان در کشورهای بظا هر محم خود، به نتایج بی مهمی دست یابد. ازین روست که اکنون عربستان سعودی مورد توجه دائمی اتحاد شوروی است، هدف مسکو آن نیست که ریاض را به یک اتحاد غیر طبیعی با شوروی بکشانند، بلکه بیشتر از آن، قصد دارند بین خود و عربستان سعودی منافع مشترکی بوجود آورده در دراز مدت بسازد.

دبیلما سی شوروی تمام سود آخرین سیس رفتیهای جنگ خلیج فارس بد شوروی این امکان را داده است تا با همپسان نازدای که در میان کشورهای سایر دروی جهان عرب با فتا است، سه نکات مشترک حندی دست یابد.

شوروی نیز همچون عربستان سعودی میل دارد که میان سوریه و عراق آشتی برقرار شود، بدین سان، مسکو و روسیه به همدستی یکدیگر سرانجام دشمنی را تا آنجا که امکان دارد به اتحاد موضوع آشتی جویانه در برابر برینداز می کنند. همچنین مسکو میداند که قیمت نفت خام با بنکدهای ۲۵ - ۳۵ دلار با لارود، شوروی برای نخستین بار در دنیا ربح خورس نسبت خود با استراتژی کشورهای اصلی عرب در او یک همکار است. و سرانجام، هر اس مسکو از تبدیل شدن به جمهوری اسلامی در افغانستان هر دم امرونی می شود، مسکو، بدویزه سیر یک سلسله رویدادهای ناگوار که از سوی جمهوری اسلامی انجام گرفته است، ما شد؛ سو: تهدید جان کاردار سعادت افغانستان در نهر، همکساری رژیم خمینی با اتحادیه اسلامی افغانی به رهبری برنفسور ربانی، و این او خسر، جمله تازجه های جمهوری اسلامی بد یک رژیم و شوروی در خلیج فارس، می گویند تا تهران را تحت فشار بگذارد.

از این رهگذر است که اتحاد شوروی، در ازای ۱۷ میلیارد دلار سرمایه کسب خاری کویت در شرکت های مختلط شوروی، امنیت رفت و آمد نفتکش های کویتی را در آبهای خلیج فارس ضمانت کرده است، در میان کشورهای حوزه خلیج فارس که دست بازی خواهی به سوی مسکو زید اند، کویت نفتی کشور سیسند را داشته است، آژانسو نیز، ایالات متحده که نگران این فعل و انفعالات است، با سسنتها کمک مشابه به کویت تا به میان معرکه نیا ده است.

اگر دفاع از عراق و ترکها در برابر توسعه طلبی اسلامی - ایرانی سنها سر عهده اتحاد شوروی قرار بگیرد، بی شک در مدتی کوتاه دستاویج سیاسی حتمی سازی آن بدست خواهد آمد. چرا که، در نهایت، اتحاد شوروی ای که از بیس را سسند کمونیستی به خاورمیانه چشم پوشیده است، می توان در دنیا عربستان سعودی، و از طریق آن، با پاکستان، بدتفا هم عظیمی بر سر سیاست خود در افغانستان برسد. از اینها گذشته، ضعف ملک فهد، و رقابت خاموشی که در دریا عربستان سعودی میان هواداران امریکا کرای سا هزاره سلطان با درباریان هوادار سوسسه برنس عبداللهدر کار است، سسرسکسی پوشیده نیست. اگر کوریا جف بسد خواهد شد، سسنتها بی نقش را ندانم خلیج فارس را بازی کند، جهان زخم خورده عرب دست کم برای مدتی، تا حد زیادی به او متکی خواهد شد. همین مرضی است که سسنتها سس ریگان، سس از آنکه حنده قدمی در خلیج فارس و اسی رفتد بود، از خود را برای طرح حضور نظامی ات در خلیج فارس سسایت قدم کردند.

الکساندر آدرلر - لیسرا سیون  
۳۵ - ۲۱ صدد ۱۹۸۷

## بیستمین سالگرد

# جنگ شش روزه

بقیه از صفحه ۱

در سال ۱۹۵۶، اسرائیل با تفاق فرانسه و انگلیس - برای مقابله با ملی کردن کانال سوئز بوسیله جمال عبدالنادر از زمین و دریا و هوا به مرحله بردند. ولی سومین جنگ که "جنگ شش روزه" نامیده شده، از نظر عوامل و نتایج کدها شست مهم ترین جنگ اعراب و اسرائیل است. این جنگ چرا و چگونه آغاز شد؟

در ماه مه ۱۹۶۷، رهبری معنوی و سیاسی جمال عبدالنادر، که زده سال پیش از آن برده نیای عرب با ساید افکن بود، به عمل متعدهی متزلزل شده بود. اولاً "در سوریه جناح تندرو حزب بعث به قدرت رسیده بود و برای کسب اعتبار و منزلت بیشتر، به عملیات کما نودوشی فلسطینی ها علیه اسرائیل کمک می کرد. از طرفی نیروی که ناصریه یمن اعزام شده بود تا از جمهوری در برابر سلطنت طلبان و "ارتجاع عرب" دفاع کند، موفقیتی بدست نیا ورده بود. از طرف دیگر شوروی، حامی عبدالنادر، به "امریکا لیم" آمریکا نزدیک شده بود.

اولین جرقه های آتش فروز بر خریدهای بود که بین سوری ها و اسرائیلی ها و همچنین اردنی ها و اسرائیلی ها بر سر کنترل آب رودخانه اردن حادث شد. نخست وزیر اسرائیل، لوی اشکول، سخنان تهدیدآمیزی نسبت به رژیم سوریه بر زبان آورد. سوریه که ما ننسد ناصریه، متحد شوروی بود، علناً "از ناصریه بعنوان شخصی نالایق و ناسوان در مقابله با دشمن صهیونیست، نام برد. عبدالنادر برای رویارویی با این وضع، دست به قمار خطرناکی زد که به بزرگترین شکست تاریخ دنیای عرب منجر شد.

تا صردر واسط با همه اذیتاظران سازمان ملل متحد که از سال ۱۹۵۶ در مرز مصر و اسرائیل مستقر بودند، خواست که به نوا روزه عقب بنشینند تا در برخورد های احتمالی آسیبی نبینند. او تا نشت دبیر کل سازمان ملل متحد با سخ دادگسه ناظران ملل متحد با ایده ها نجا کسه هستند به نندیا بکلی منطقه را تخلیه کنند. تا سرکه در بن بست مانده بود تا چارتنقای تخلیه کامل کرد. رقیبان عرب ناصریه و سوریه و نیز اردن و عربستان سعودی، این ابتکار او را با بیوفی یوج و بیحاصل معرفی کردند. در نتیجه ناصریه تصمیم گرفت که تنگه "تیران" را به روی کشتی های اسرائیلی ببندد، که این امر مرادف فلج شدن بندر "الیا" بود. اسرائیل اعلام کرده که این یک اقدام بمنزله آغاز جنگ است و به دولت ایالات متحده امریکا با آور شده که در سال ۱۹۵۶ متعهد شده است که ازادی کشتیرانی را در این آب راه تا مین کند. امریکا بیها از نخست وزیر اسرائیل، اشکول، خواستند که

حاصله بخرج دهد، دو گل به اسرائیل تذکر داد که نیا بدقیصیه را بزرگتر از آنچه هست جلوه دهد و دولت فرانسه صریحاً "خطا" کرد هر کشوری را که جنگ را آغاز کند محکوم خواهد کرد. تهدید روشنی بود زیرا عمده تجهیزات ارتش اسرائیل ساخت فرانسه بود. در نتیجه، ناصریه میدواید که تهدید شور او برایش حالتی به اسرائیل وارد. اسرائیل و مصر هر یک ۱۰۰ هزار سربا زرد و طلبد. مرز سینه مستقر کردند. در آغاز ژوئن کردش و قایح سرعت بیشتری یافت. ملک حسین، با دنا اردن، به قاهره رفت و با عبدالنادر صریح عهدنامه دفاع مشترک امضاء کرد. عراق شروع به اعزام نیرو کرد. الجزایر تا ماه فرستادن نیرو می شد. در اسرائیل یک دولت اتحاد ملی تشکیل شد. عاقبت سرگناه و دشمنی ژوئن ۱۹۶۷ - ناصریه رسید.

### جنگ

روز اول: ساعت ۷ و ده دقیقه صبح دوشنبه ۵ ژوئن، اسرائیل اولین دسته هواپیما های خود را به آسمان میفرستد. وینجا و پنج دقیقه بعد توپت نیروهای زرهی است که از مرز عبور کنند و به نوا روزه و صحرای سینا وارد شوند. جنگ آغاز شده است. امواج پشت سر هم هواپیما ها در نصف روز، هفده فرودگاه مصر را بمباران میکنند. در این بمباران ها ۳۰۰ هواپیمای مصری نابود میشود. همچنین نیروی هوایی اسرائیل، ۵ فرودگاه سوری و دو فرودگاه اردنی و یک فرودگاه عراقی را بمباران می کنند. بمب های مخصوص، بیست پروازا غیسر قابل استفاده میکنند و هواپیما های حاضر در فرودگاه قبل از حرکت نابود می شوند. ظهر روز ژوئن تفوق هوایی اسرائیل مطلق است. حمله در جبهه مصر متمرکز میشود. در سینا، نیروهای اسرائیلی شهر العریش را تصرف میکنند و به این ترتیب بین نوا روزه، که مدافعان آن فلسطینی ها هستند (فلسطینی های حامد شوکیری رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین) و عمسده واحدهای مصری، فراق می افتد. نیروهای دیگری بطرف مرکز سینا پیش میروند. نیروهای مصری که در برابر تحرک نیروهای دشمن سخت غافلگیر شده اند، غافلجا بدون مقاصد و اسلحه را زمین میگذارند. افسران مصری جرئت نمیکنند و اقعیت وضع نا هنجار را به سلسله مراتب ما فوق خود گزارش کنند. هشت ساعت ذیقیمست میگذرد تا عبدالنادر ناصریه بودی نیروی هوایی اش مطلع میشود. در این موقع را دیوتا هره و سا بررا دیوهای عرب سزده بیروزی می دهند. در مقابل اسرائیلی ها، برای به تاء خیر انداختن فشارهای

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱

# آثار مطهری زیر تیغ سائور اسلامی

سرما به داران و شروتمندان دفاع می‌کنند، در حکم همان عمرو عامی هستند که در جنگ با علی قرآن را سرسوزیده کرده، اینان به زعم فرمانده حزب الله، در شما رهمان کسانی هستند که در زمان حضرت علی "با تمسک به قرآن و احادیث مانع ادا به حکومت آن حضرت شدند، و امروز در قبال فقه و فقا هت در مقابل حرکت اسلامی مانع ایجاد می‌کنند."

نزاع از آنجا با لاکرنت گذرنا به کیهان آغا زبانه‌تبار سلسله سخرانیهایی از مرتضی مطهری کرده بود که در آن، مطهری به سواد نوعی سوسیالیسم اسلامی و در مخالفت با تراکم و تمرکز شروت جنبه گرفته بود. خاتمی وزیر اسامی از ادا به انتشار آن سخرانیهها جلوگیری کرد. بحث میان موافقان و مخالفان انتشار اسامی ساطهری بالا گرفت و کار به خمینی کشید. اما خمینی برای آن که خود را همچنان از این عاصه لده حساس، که با سیاست اعتقادی رژیم سروکار دارد، برکنار نگاه داشته باشد، گفت که فرست خواندن مطالب مورد بحث را ندارد و آن را به آیت الله مهدوی کنی ارجاع کرد، مهدوی کنی نظردا آن اشرف فقط در صورت حذف برخی از بخش های آن قابل انتشار است.

بدین ترتیب برای نخستین بار مسئولان تبلیغات و انتشارات رژیم، قبحی سائور را برآشامه‌ترین نظریه بردا ز خود نگاه دند. با این کار چپ‌های رژیم، که برای ملی کردن زمین و بازرگانی خارجی فشار می‌آورند، زبان به شکایت گشودند. سیدها دی خامنه‌ای، نماینده مجلس شورای اسلامی، در سخرانیهای درمشید، با اشاره به مهدوی کنی و خاتمی گفت: "مساء سائور در جامعه عده‌ای به ناحق متولی و متصدی تبلیغات شدند و اینها اکثرًا در چپا رچوب یک سائوریک حرکت حزبی عمل می‌کنند و هیچگاه به وظیفه اصلی خودشان عمل ننموده‌اند." وی افزود: "امروز بعد از گذشت سالها از انقلاب، هنوز سائور افکار مرحوم شهید مطهری جرمی نا بخشودنی است و اگر عده‌ای دلسوز پیدا شوند که بخواهند افکار آن شهید بزرگ را تشریح بدهند شیدا "مورد غضب و تها م واقع می‌شوند... برای اینکه حرفهای مطهری با منافع عده‌ای قلیل که برای آتقایان سفره‌های چرب و رنگین می‌اندازند مطابقت نندارد."

چه کسانی در جمهوری اسلامی شروت اندوخته‌اند، و این شروت اندوختگان برای چه کسانی سفره‌های رنگین می‌اندازند؟ در این باره کسی نامی زکی نمی‌برد. عجالتا "نزاع با سلاج حمله‌های غیر مستقیم صورت می‌گیرد. حجت الاسلام محمد عیاشی، سرپرست دفتر تبلیغات اسلامی در حوزة علمیه قم،

بقیه از صفحه ۱

مسئولان روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، به ابتکار رئیس این مجلس به دبیر آیت الله منتظری در قم می‌روند تا به او بگویند که روز هفتم خرداد در جمهوری اسلامی "روز قانون" هفته از هفتم تا سیزدهم خرداد "هفته مجلس" تعیین شده است.

منتظری مسئولان روابط عمومی را می‌پذیرد، به آنها "مبارکباد" هم می‌گوید، ولی از این فرست سواد برمی‌گیرد تا سته این جمهوری و مجلس دولست و دادگستری آن را به آب بیندازد. منتظری با سخنان خود سه هدف تواء مان را تعقیب می‌کند: نشان می‌دهد که در جمهوری اسلامی اگر چه تشریفات قانونی وجود دارد، لکن از حکومت قانون خبری نیست، انار هم می‌کنند که رئیس مجلس شورای اسلامی برای ظاهر سازی و به منظور فریبکاری، مسئولان روابط عمومی خود را نزدی فرستاده است، و سرتاها سکه می‌کود حساب خود را از حساب رژیم تهران جدا کند، و این به هیچوجه مسا له کم‌همنی نیست، زیرا کسی که چنین تلاشی می‌نماید، جز حانسمین رسمی و اعلام شده، خمینی نیست که در سائورهای همکاتی کهکاه از او به عنوان: "قائم مقام رهبری" نام برده می‌شود. وقتی که قائم مقام رهبری حساب خود را از حساب رژیم جدا می‌کند، تنها کاری که سرمداران آن می‌توانند بکنند این است که یکمدا بگویند:

"وای بوما، وای بر رژیم!" منتظری، با صراحتی که جای هیچ تفسیری باقی نمی‌گذارد می‌گوید: "ما مگذارای کاری است آمان و مصرف اسم گذاری دردی را دوانمی‌کند." و برای آن که نشان دهد عیب کار را زکجا است، لهجه‌ای صریح بر پیدا می‌کند و می‌افزاید: "مسئولین قوای مجریه، مقننه و قضائیه... باید واقعا "به قانون عمل کنند... و این طور نباشد که خدای نکرده ما (بخوانید: متصدیان امور) بخواهیم سرقانون کلاه بگذاریم."

برای آن که از خود رفعت آنها مکنند و در عین حال در این نزاع با بیطرف بمانند، در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان از یک سومی گوید که مطهری اگر چه در حوزة قم درس خواند و در آنجا به درجه اجتهاد رسید، ولی "بنا به شرایطی... حسوزده علمیه را وجود ایشان بهره مند نبود، زیرا ایشان در تهران و در دانشگاه بودند. (اما) حدود ۶-۷ سال بود که عده‌ای آیت الله مطهری را روزهای چهارشنبه و پنجشنبه به حسوزده آورده بودند و از افکار فلسفی و اقتصادی ایشان استفاده می‌کردند... وی از سوی دیگری افزاید: "به عقیده من مرحوم آیت الله مطهری حتی پیش از آیت الله بهشتی مظلوم واقع شده است... به دلیل اینکه آقای بهشتی به دست بنی صدر و مخالفین محکوم و متهم شد، ولی اکنون خود ما با جلوگیری از سخرانیه‌های آیت الله مطهری داریم ایشان را متهم می‌کنیم."

## تشریفات قانونی حکومت بی قانون

حجت الاسلام ریشهری (با ید در برخوردشان با محکومین زندان، قانون و شرع را ملاک عمل قرار دهند و مجازات‌ها با ید بدون کم و زیاد طبق قوانین اسلام و قانون اساسی اعمال و اجرا شود، فرضا "اگر شخصی محکوم به اعدام است، با ید اعدام شود، بدون آن که آبرو و حیثیت او مورد خدشه... قرار گیرد."

منتظری، دیگر از این صریح تر نمی‌تواند بگوید که پس از گذشت هشت سال از انقلاب اسلامی، رژیم تهران از قانون اساسی خود و شرع اسلام، همان قدر فاصله دارد که همیشه داشت، و برای آن که برای این گفته‌های خود سائور هدیه بیاورد، عدالت را، حنان که در روایتها آمده است، از دوران حکومت پیا مبر اسلام و خلافت حضرت علی منال می‌زند تا بی‌عدالتی امروز را نشان دهد. منتظری می‌خواهد نشان دهد که آنچه در رژیم تهران بدان عمل می‌شود،

درست نقطه، مقابل آن چیزی است که سائورهای نخست اسلام روا بت می‌کرده، با این تفاوت که مردم اینها را فقط از طریق روایات شنیده‌اند، حال آنکه واقعیت رژیم اسلامی تهران را روز به روز با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. طبعاً "مردم آن حکایت‌ها را چنان حس نمی‌کنند که واقعیت‌ها ضرا مورد تجربه روزانه قرار می‌دهند.

رئیس مجلس اسلامی در نامه‌ای که به وسیله مسئولان روابط عمومی برای منتظری فرستاده، یادآور شده است که در "هفته مجلس"، روی سائور سقسوسه و اعضاء شورای نگهبان گوید هم می‌آیند و تبادل نظری می‌کنند. منتظری، با اشاره به این نامه می‌گوید: "امیدواریم این کار باعث شود واقعا "تحویلی اساسی در کشور بوجود آید... معنی مخالفان این حرف‌ها این است که هشت سال پس از انقلاب آنچه در کشور بوجود آمده، تحویلی بوده که نه واقعی است و نه اساسی."

آیا نیازی هست که منتظری بگوید چگونه می‌توان سرقانون کلاه گذاشت؟ نه. برای آن که کسانی که سرقانون کلاه می‌گذارند، آن هم کلاه‌هایی از شعوع شرعی و غیر شرعی، خود به تراز همه می‌دانند چه دارند می‌کنند. از مزوره این کارها یکی همین است که گذاری است. "روز قانون" یعنی چه؟ "هفته مجلس" چه معنایی دارد؟ اینها به همان اندازه بی معنی هستند که روزها و هفته‌های دیگری که رژیم تهران برگذار می‌کند. منتظری، برای آن که با سائور فتنجانی تسویه حسابی کرده باشد، می‌گوید: "همه افراد، چه قوی و چه ضعیف، در مقابل قانون و حدود الهی باید یکسان باشند و مقام و روابط حسب و نسب افراد نباید مانع از اجرای قضا و حدود الهی در باره آنان باشد."

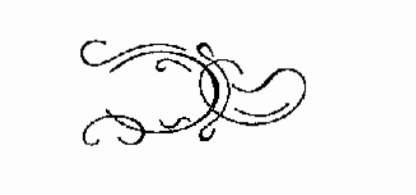
منظور حانسمین خمینی این است که اگر مهدی‌ها شمی غویثا و ندم را به اتهام قتل و آدم‌ربایی و انبار کردن غیر قانونی اسلحه، بازداشت می‌کنند، پس همه قانوندان و آدم‌ربانان و انبار کنندگان سرقانونی اسلحه را با ید بازداشت کنند. اما نه تنها این کار را نمی‌کنند، بلکه حتی بدون آن که دادگاهی حکمی صادر کرده باشد، بیسای بیش شخصیت و شهرت افراد را به قتل می‌رسانند، آنهم نه برای آن که خود آن فرد را سوا کرده باشند، بلکه به بدین منظور که حریف سیاسی خود را از میدان بدرکنند.

منتظری می‌خواهد بگوید که مهدی‌ها شمی را بیشتر از آنرو نخست رسوا کردند و سپس به توبه و ادا شدند تا وی را رسوا کنند و توبه و ادا رند. منتظری سر بسته می‌گوید: "مثلا" مربیان و مسئولان زندانها (بخوانید: آیت الله مشکینسی و

حجت الاسلام عیاشی، بی‌آن که بحث را در این باب بیشتر بگشاید، فقط می‌پرسد: "مگر سخرانیه‌های ایشان چه بوده است؟" پاسخ این است که سخرانیه‌های ایشان هر چه بوده است، تلاش برای انتشار آن از سویی و جلوگیری از انتشار آن از سوی دیگر، تفاقای نشان می‌دهد که در درون رژیم میان دو جناحی فاصله را بیشتر کرده است که نشان مسلمانا "فقط در چپا رچوب یک بحث نظری صورت نخواهد گرفت. امروز تا ن به یکدیگر دشنام می‌دهند، و فردا سی گمان به دشمنان مگوئی بسنده نخواهند کرد. هر دو طرف، هم‌کوشی شمشیرها از نیام برکننده اند و آماده‌اند تا آن را بر فرق یکدیگر بکوبند. زنده ماندن یکی در گرو آن است که شمشیر را زودتر بردمگری فرود آورد. همزیستی میان آنان دیگر به هیچ‌روی امکان پذیر نیست.

ولی سوابق تاریخی بسیار، نشان می‌

دهد که در چنین حالتی هیچ یک از دو طرف برنده نخواهد شد.



**را دیوانه‌ان ساعت‌های بختی برده**

برای سائور  
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به  
روم تهران: روی امواج کرباسه  
ردیف‌های ۲۵ (سرا مرگانی ۱۷۵۰ کلسو  
هرسرا) ۳۱ (سرا مرگانی ۱۵۵۵ کلسو  
۱۹۹۲ کلسو هرسرا) ۴۱ (سرا مرگانی ۲۱۷۰  
کلسو هرسرا).

برای سائور دوم  
ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کرباسه  
ردیف‌های ۱۱ (سرا مرگانی ۱۳۵۰ کلسو  
هرسرا) و ۳۱ (سرا مرگانی ۱۲۰۰ کلسو  
هرسرا) ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به روسی  
سرا روی امواج کرباسه ردیف‌های ۳۱  
(سرا مرگانی ۱۲۰۰ کلسو هرسرا) و ۴۱  
(سرا مرگانی ۲۰۷۵ کلسو هرسرا).

# درومان، پی درمان

خواستار این الحاق بود و اعلام می‌داشت که وزارت بهداشت با سرای اداره دانشکده‌های پزشکی همه، اما دگیهای لازم را ندارد. و امروز، انگار که همه سخنان دوسال پیش خود را فراموش کرده باشد، با سرروئی‌های خاص وزیران رژیم تهران، مجبور به اعتراف شده است که: "در سال گذشته نتوانستیم هیچگونه کتابی برای دانشگاه علوم پزشکی تهیه کنیم."

از وزیر بهداشت ری رژیم اسلامی بایده پرسید: شما که نمیتوانید حتی کتابهای مورد نیاز دانشگاه‌های علوم پزشکی را تهیه کنید، پس چرا آنهمه مراکز جدید که دانشکده‌های پزشکی از دانشگاهها جدا شده و به وزارت بهداشت ملحق گردید؟ اگر ملاقاتی که با عیبه‌ربری اپدولوژیک شما را دارند، ندانند، و نمیدانند، که پزشکی دانش‌مدرنی است که دعا و دخیل-بندی و غیره نمی‌تواند جای نشین آن شود، شما که به شکرانه، پیشرفته‌های کشور توانسته بودید در دانشگاه‌های مدرن درس بخوانید، چرا از این بابت چنان بی‌خیال بودید؟ برآمدهای ابله‌حرجی نیست، اما برآنهائی که خود را به ابله‌می‌زنند، چرا.

با ری، اکنون بحث بر سر دانشکده‌های پزشکی نیست، اگرچه همه مسائل مربوط به درمان و بهداشت در درون یک شبکه ارتباطی قرار دارد. اما درحالی که توان نامجهز بودن و عقب افتادن دانش پزشکی را در کشور با بیداری نیندیده دورتر برداخت، تا وان کمبود را مردم نیز نمانند، هم اکنون دارنده می-بردارند.

وزیر بهداشتی، وضع را وخیم تر و هشجاری مردم را بیشتر از آن می‌بیند که به دروغ و تزویر متوسل شود و اعداد و ارقام ساختگی را برای متخرف کردن ذهن مردم از واقعیات به رقی در آورده، می‌گوید: "به خاطر شرایط خاصی که بوجود می‌آید، ممکن است در آینده خریدها تولید بعضی اقلام متوقف شود" وی، درحالی که گناها را چنان به گردن دولت می‌اندازد که گوئی خودش وزیر کا بینه نیست، می‌افزاید: "اگر دولت نتواند کمبودهای ارزی ما را جبران کند، شما دیگر برخی داروها را با زار پیدا نخواهید کرد."

خبرنگار را زومی پرسد: "پس در میان بیچاره‌هایی که می‌شود؟" او با صراحت پاسخ می‌دهد: "نخواهید بود، این دیگر یک چیز اضطراری است."

آیا با پیدا زوزیر بهداشت به خاطر این صراحت لجه سپاسگزار بود؟ لابد خودش چنین انتظاری دارد. اما در آن زمان که همه فریاد بر می‌آوردند که وضع دارو و درمان در کشور اضطراری است، وزیر بهداشت و معاونانش به مردم اطمینان می‌دادند که بزودی همه مشکلات برطرف خواهد شد. راه حل فزینی رژیم این بود که چما قدران خود را به غارت چندا نیار دا روئی و دارو خانه فرستاد.

امروز هم که خبرنگار را زوزیر می‌پرسد آیا مواردی از بیماری مهلک و خطرناک "ایدز" در ایران مشاهده شده است، او انکار می‌کند، اما انکار می‌کند فقط برای آن که چند ماه بعد بحراحت به وجود آن اعتراف کند.

می‌بیند و در جواب این پرسش محاسبه کننده که "بنا بر این، علت کمبود دارو کمبود رزاست" بحراحت پاسخ می‌دهد "بله" وی درنگ می‌افزاید: "ما هم اکنون علیرغم افزایش دانشجوی به علت همین محدودیت ارزی در تهیه کتاب برای دانشگاه‌های علوم پزشکی و لسوازم آزمایشگاهی دچار مشکل هستیم؟ به طوری که متأسفانه در سال گذشته نتوانستیم هیچگونه کتابی برای دانشگاه‌های علوم پزشکی تهیه کنیم."

اگر کسی حوصله کند و کشمکش بر سر پیوستن دانشکده‌های پزشکی به وزارت بهداشت را مرور کند، درخواهد یافت که همین علیرضا مرندی با حاحا را بر او بر می

معاون نامبرده لابد خجالت می‌کشد که رونشان دهد، شخصی وزیر بهداشت، دکتر علیرضا مرندی، زیرهمه حرفهای معاون خود می‌زند. وی، در دوم خرداد ۱۳۶۶، در مصاحبه‌ای با همان روزنامه، نه تنها به کمیبود نامی و وزن دارو اعتراف می‌کند، بلکه می‌گوید: "البته ما نه تنها در امر دارو کمبود داریم، بلکه در امر لوازم آزمایشگاهی و تجهیزات پزشکی، چه در طب دولتی و چه در طب خصوصی، کمبود داریم."

درحالی که معاون، در مصاحبه هشتم دیماه ۶۵، کمبود ارز را علت اصلی کمبود دارو نمی‌داند، وزیر، در مصاحبه دوم خرداد ۶۶، مشکل اصلی را در کمبود ارز

پنج ماه پیش، درست در هشتم دیماه ۶۵، دکتر غلامحسین نیک‌نژاد معاون امور داروئی وزارت بهداشت، با روزنامه "کیهان" مصاحبه‌ای کرد و در آن، ضمن اعتراف به کمبود داروهای اساسی در سال ۶۵، چنین وعده داد: "ما برای نیازهای سال ۶۶ در تلاشیم داروهای اساسی و حیاتی و ضروری را بوقوع تأمین کنیم، مخصوصاً اخیراً" در ارتباط با داروهای قلبی و عروقی گزارشی از کمبود داروهای قلبی و عروقی رسیده و در شبکه توزیع قرار گرفته و آن چندتائی که کم بودیا نبود، دارمی آید. در رابطه با داروهای قلبی و عروقی برنا مدیری صحیح داریم که انشاء الله کمبود دیگر نیاشد."

و اکنون، پس از پنج ماه، درحالی که

## دلیل‌های آخوندی

بقیة زلفچه

موسیا بیست ها تلاش می‌کردند به سر برای رها نمودن گروگان‌های فرانسوی در لبنان و بهره‌گیری از اسارت تبلیغاتی آن، بسا آیت‌الله‌ها معامله کنند و از طرف دیگر دست راستی‌ها نمایندگانی به تهران فرستاده بودند و وعده میدادند در صورتی که گروگان‌های فرانسوی را مطابق برنامۀ آنجا آزاد کنند بعد از بیروزی در انتخابات و بدست گرفتن دولت است.

کارتها هم که در این جریان در دست گروگان‌ها بود و در دست ایران رفت ولی رژیم آیت‌الله یکی دیگر از زحمت‌ها پس اینست که از هیچ حاد نمی‌درست می‌کرد و از مود را دوباره می‌آزمایید و با این مرشد نیز بیخیال خود می‌خواست است از فرصت استفاده کند و در انتخابات انتخابات انگلستان، کوی بیزند و جی‌بکند.

آیت‌الله خمینی و سزدیکان او صدای درهم‌نگستن ستون فقرات رژیم را در زیر فتنه مشکلات سیاسی و افتخار می‌نهند و خیال میکنند که کارگران به اینجا رسیده بدلیل آنست که انگلستان مثل سابق ما را طبعیت و جدیت حمایت‌ها نمی‌کند.

آخوندهای تهران بدلیل متعدد عقیده سدا کرده اند که بی‌اوا خرد سیاست انگلستان نسبت به جمهوری اسلامی نسنجراتی پیدا شده است. در جریان اسعال سفارت آمریکا و بگروگان کوفتن آمریکا شپا در تهران، هنگامی که دولت "کاربر" تصمیم گرفت از طریق معاهده اقتصادی، رژیم آیت‌الله را تحت فشار بگذارد، انگلستان چنان متعجبانه در دفاع از جمهوری اسلامی فدیوا فرستاد که طرح معاهده اقتصادی مقیم باشد و ما جرای گروگان‌گیری به سبک کارتر در انتخابات ریاست جمهوری انجامید. پس

گروگان‌گیری در آستانه انتخابات کشور های دموکراسی، کم‌کم به صورت یکی از شیوه‌های متداول دیپلماتی آخوندی رژیم آیت‌الله درآمده است. وقتیکه حکومتی یا روس‌های متعارف در نیای متدین برای حل و فصل مسائل سیاسی بیگانه‌ها به ناچار است در راه‌ها مسن منافع خود به روش‌هایی متوسل شود که در دنیا جنتا بیگانه‌ها حرفه‌ی مندا اول است، مثل شرو و آذربایجان.

معنی سنا خندنده "سیاست" در دنیاکی منمدن، بافتن را در حل‌های عالانه برای معضلات داخلی و خارجی است. به همین سبب، مردم سرنوشت خودشان و کشورشان را بدست سنا استخدام می‌سازند یعنی عناصری که در کار سیاست ورزیده‌اند و هنران اراند با زبانی ظریف سیاسی است. در جمهوری اسلامی نه چنین مفهومی از سیاست استنباط می‌شود و نه چنین عناصری زمان ما محور مملکت را در دست دارند. محدودیت افق فکری و فطرت خن و مودنی و توطئه‌گر و قلدر ما به رهبران جمهوری اسلامی، آنها را ناگزیر میسازد بجای ساز زبانی ظریف سیاسی، در عرصه روابط خارجی هم مانند صحنه سیاست داخلی بد توطئه و تهدید و تخریب است و آدم‌کشی و آدم‌ربایی دست‌نازید.

دوران قبل از انتخابات در کشورهای دموکراسی دوران حساسی است و احزاب و شخصیت‌های سیاسی که در میسازات انتخاباتی با یکدیگر دست و پنجه نرم می‌کنند مجبورند در مجال احسان قدم بردارند و با لب‌ها سدا که کزگی بدست رسیان ندهند و تردیدی در اندکشان را می‌دهند که نسبت به طرفت‌ها و کفایت‌های خودشان بوجود نیاروند. رهبران جمهوری اسلامی بدتحریر به درسا فتنه‌اند که چنین دورانی بس برای گروگان‌گیری و با چواهی، یک ترحیب طلائی محسوب میشود. همان طور که در جریان انتخابات تا زمانیکه فرانسوا می‌کثرت









# دکتر محمد مصدق

## در دادگاه تجدید نظر نظامی

بقیه از صفحه ۸

از تغییر سیاست عدم اجرای قانون اساسی به سرنگونی انگلیس تمام می شد آن به بعد در مقام انگلیس بود.

در انتخابات دوره چهارم تقنینیه و شوق الدوله از این نظر دخالت نمود که مجلس چهارم هم قرار داد و را که با دولت انگلیس بسته بود تصویب کند و هم او در تمام مدت آن دوره در مقام خود حفظ کند و همچنین یکی از جهات عمده دخالت در انتخابات بعد از این بود که قرار داد تمدیدی و دوسا لها متناهی زینت در مجلس شورای ملی بدون مباحثه در جلسه بگذرد چنانچه گذشت.

۲ - مرحوم ناصرا الملک در مقام متناهی بیت سلطنت ماند تا مرحوم احمد شاه، کبیر شود و خود متصدی مقام سلطنت گردید و تا در این مقام بود بدون کمترین انحرفی از این رویه پیروی می کرد یعنی در انتخابات مطلقاً دخالت نمی نمود و برای انتخاب رئیس الوزرا هم از مجلس کسب نظری کرد و عزل رئیس الوزرا و وزیران در نتیجه رای و استیضاح مجلس از دولت به عمل می آمد. و فقط در مواردی که اصل رعایت نشد یکی مربوط به زمانی است که مرحوم مصما را سلطنته رئیس الوزرا بود و دیگری مربوط به وقتی است که علیحضرت شاه فقید عهددار مقام ریاست وزرا بودند، شرح واقعه این است که یکی از روزنامه ها به مرحوم مستوفی الممالک رئیس الوزرا وقت توهین نمود، مردم هم از روزنامه ها بواسطه فحاشی زما در می نمودند. هیئت وزرا تصمیم گرفت که تمام روزنامه ها توقیف شوند، دولت مصما را سلطنته هم که روی کار آمد برای اینکه بتواند بدون مزاحم و ممانعت حکومت کند، در شهر تهران حکومت نظامی برقرار کرد و از این وضعیت که نه روزنامه می بود و نه آزادی، دولت انگلیس خواست استعفا ده کند و متناهی دولت روسیه تزاری گرفتار را مورد اخلاقی خودیود و نمایی توانست از قرارداد ۱۹۰۷ حرمی بزند، دولتی روی کار بیاید که با آن قرارداد منتهی نگردد و تمام ایران را بواسطه مستشاران انگلیسی در قسوم و مالیه تحت نفوذ خود قرار دهد تا بعد هم به دولت روسیه تزاری بگوید که قرار داد با صاحب مال مقدم بر قرار دادی است که نخست نا انسی را جع به مال منعقد کند که در صورتی که دولت دست نمانده هم نماینده ما صاحب مال نبود و به همین جهت ملت ایران با آن قرار داد دنگا ایران را تحت الحما به دولت انگلیس قرار داده بود قویاً مخالفت کرد و از این رفت (من جزئی الخیر کثیر اللذات که) - چون دوره فترت بود و مجلس شورای ملی نبود فشار سیاست خارجی سبب شد تا فرمان انتخاب و شوق الدوله را به نام رئیس دولت توشیح کند که تا آن وقت نه عزل رئیس الوزرا با نظر شاه سابقه داشت و نه فرمان عزل برای رئیس الوزرا و وزیران (که بر طبق رای علم اعتماد مجلس و استیضاح از کار خارج می شدند) صادر گردید که با اینکه بعد از آن هم برای کسی فرستادن عزل ما در نشده است و بعد تنهایی نخست وزیر هستم که این میوه تلخ را نوبر کرده ام.

نصب و شوق الدوله موجب عزل قهری مصما را سلطنته گردید که تا افتتاح دوره چهارم تقنینیه سه خود را رئیس الوزرا قانونی می دانست و در هر مجلس و محفلی به عمل شاه که تحت تأثیر قرار گرفته بود اعتراض می کرد و عده زیادی با آن مرحوم موافق بودند ولی بعد از اینکه قرار داد دولتین ایران و انگلیس موسوم به قرار داد و شوق الدوله امضا شد مردم همه یکصد گفتند تا همتی با بیست مرتکب چنین خطایی بشود اگر شوق الدوله را به مقام ریاست وزرا نیاورد به بود چنین قرار دادی منعقد نمی گردید و مصما را سلطنته سر و وطن پرستی بود و مرتکب چنین عمل فاشانه ای نمی شد، پس از امضا قرار داد همان طوری که بین افراد معمول است اگر کسی مالک ملکی شد که خدای ده را احضار می کند که با و بگوید از این تاریخ مالک ده منم و شما با ید مطابق نظریات من و دستوری که می دهم ده را اداره کنید از دولت و شوق الدوله هم خواستند شاه را روانه لندن کند.

این بود که نه تنها پادشاه بلکه وزیر خا رجه نصرت الدوله هم که بعد به جرح خود رسید یا و حرکت کرد که کارش میخه شود و بنطبق پادشاه با حضور او که مسئولیت داشت ا یسراد گردد. ولی مرحوم احمد شاه از موقع استعفا نمود و به ملت ایران ثابت کرد که در نصب و شوق الدوله سوء نیت نداشت و خطای محض بود که کرده است و با نهایت اصراری که بعضی اطرافیا نشی به او کردند و نامی یح و تهنیدید ناصرا الملک که اگر از قرار داد در بنطبق رسمی خود صحبتی نکند سلطنت از دستش می رود گفته بود به تا می دعوت شدم پس از صرف شام با ید از میزبان تشکر کنم و غیر از این تکلیفی ندارم. این مقام و عدم اعتراض شاه به قرار داد سبب شد که در ایران هم مردم روشنگر و وطن پرست قویاً با آن مخالفت کنند و آن را عملاً از بین ببرد و به طوری که بعد دولت انگلیس نه اسمی از آن ببرد و نه حرفی از آن بزند.

گرچه این مقام و متبعیبت سلطنت شاه تمام شد و خود شاه هم آن را در لندن پیش بینی کرده بود، ولی بهترا پس بود که خوشنام رفت.

موضوع دیگر تلگرافی بود که مرحوم احمد شاه به واسطه تاضیح اقلیت مجلس منجم را جع به عزل شاه فقید که آن زمان عهددار مقام ریاست وزرا بود به رئیس مجلس مخابره نمود که چون تلگراف مزبور در جلسه رسمی قرائت نشده آنچند روزنامه شفق سرخ آن ایام تحت عنوان " جواب مجلس به شاه" درج شده عیناً نقل

میشود: شماره ۲۲۹ مورخ ۲۱ حمل ۱۳۰۳ " از قرار اطلاع پیرروز تلگراف رمزی از طرف شاه به عنوان ریاست پارلمان و اصل گردید. تلگراف و اصل را آقای مومن الماسک مکشوف و معاندان مسمر بر استطلاع شاه ایران از تملیل نما یندگان مجلس به رئیس الوزرا جدیدی بوده است تلگراف مزبور در جلسه خصوصی مطرح جوابی تهیه و تلگرافاً به ریاست مخابرات می شود مضمون تلگراف منتهی بر این بوده است:

بر طبق مقررات قانون اساسی حق انعزال و سقوط هر دولتی با مجلس شورای ملی است فعلاً از نقطه نظر تملیل نما یندگان هیئت دولت وقت دربارلمان حاکم کثرت می باشد.

روزنامه شفق سرخ در همین شماره می نویسد: " رای اکثریت ۹۱ رای در مجلس شورای ملی است که به ریاست وزرا فی آقای سردار سپهر رای داده و ۱۵ نفر مخالف بودند.

از آنچه عرض شد معلوم گردید که تا حمل ۱۳۰۳ که مصادف با دوره پنجم تقنینیه است عزل و نصب رئیس الوزرا با مجلس شورای ملی بوده و فقط یک مرتبه در نتیجه فشار سیاست خارجی برخلاف آن عمل شده که همان انتخاب و شوق الدوله در غیاب مجلس بوده است و هیچ وقت چنین عملی نمی تواند و به وسنت متروپیت شود و برای مرحوم مصما را سلطنته هند دستخط عزل ما در شده است از نعتش با افراد صلح به نعت تبریز و بهوش به او و ابلاغ گردید.

و برای علیحضرت شاه فقید ( رئیس الوزرا ) هم شاه دستخط عزل نفرستاد فقط به مجلس تلگراف کرد که



رای تمامیل خود را به شخص دیگری که مورد اعتماد دیا شد بدهند که مجلس آن طور جواب داد و او هم شنید و ساکت گردید و اینک نویسندگان قرار دادگاه به سابقه دوره سلطنت احمد شاه قا ر نسبت به عزل نخست وزیر به واسطه تلگراف از اروپا استناد کرده اند برخلاف واقع و حقیقت است. و من هر قدر خواستم در آن دادگاه مطلب را روشن کنم چون بعضی از داریان می دانستند که نویسندگان قرار دادگاه استنادی که به ما بقیه دوره سلطنت احمد شاه نموده اند خلاف واقع بوده است به من اجازه داده شد و چند مرتبه رئیس دادگاه در بنطبق مرا قطع کرد و چنین اظهار نمود مربوط به صلاحیت دادگاه است که دادگاه قرا صلاحیت خود را ما در نموده چنانچه به قرار دادگاه اعتراض هست با ید در دادگاه تجدید نظر مطرح شود که اکنون مطرح شده و من مجبورم آنچه خبر و ملاحظ مملکت ایجاب می کند در این دادگاه عرض کنم و از خود رفع تکلیف نمایم.

چنانچه توضیحاتی داده نشود و دادگاه قرار یا حکمی صادر کند ایراد در نسبت دادگاه می تواند بگوید که قرار یا حکمی را ندانستند اما در کرده ام ولی اگر توضیحاتی داده شود دادگاه قرار یا حکمی را برخلاف حق و قانون صادر نمود آن وقت جزا اینکه بگوید مجبورم حرف دیگری ندادم. ج - در دوره دیکتاتوری راجع به این دوره چیزی نمی گویم که سبب نبود دادگاه مرا محکوم کند، همین قدر کافی است که عرض کنم دوره ای بود که قرار داد تمدید شد و دوسال امتیاز زینت بدون شور و بحث و هیچ گونه اعتراض در یک جلسه مجلس شورای ملی تصویب شد.

د - در دوره سلطنت علیحضرت محمدرضا شاه پهلوی بعد از شهریور ماه ۱۳۲۰ که دیکتاتوری از بین رفت زوینت عهد متروپیت با ز سر گرفت و به هر کسی که مجلس شورای ملی اظها رتعا بل می نمود فرمان نخست وزیر به نام او

ما در می گشت. ولی در دوره ۱۶ تقنینیه در دو مورد برخلاف سابقه فرمان انتخاب ما در گردید که یکی مربوط است به دولت منصور و دیگری به دولت سپهبد رزم آرا. فرمان انتخاب آقای منصور بدون کسب نظر از مجلس به جاتی که بعد گفته خواهد شد توشیح گردید و از تشکیل دولت ایشان پیش از سه ماه و چند روز نگذشته بود که فرمان نخست وزیر سپهبد رزم آرا ما در دولتی آقای منصور استعفاء نمی گرد و عزل ایشان هم برخلاف نص صریح اصل ۶۷ متمم قانون اساسی بود و چون لجوج و سرسخت نبود که به هیچ طریق نتوان آن او را متقاعد نمود یکی از روزهای جمعه که تعطیل و فرصت برای حرف بود به سعادت با درفت در ازای سفارت روم از نخست وزیر صرف نظر نمود و مانع به این طریق مرتفع شد و فرمان نخست وزیر سپهبد رزم آرا بدون اینکه از مجلس کسب نظر شود ما در گردید و علت این بود که نمایندگان ولایت آن عده نمایندگان شورای که عضو جبهه ملی بودند و با تصویب قرار داد دنگس گلشنایان مخالف بودند ملاحظه می گردند و نمی خواستند خود را در مجلس با آنها و در خارج با مردم علی الخصوص با موکلین محلی خود طرف کنند چون که ملت ایران را می نبود آن قرار داد از مجلس بگذرد و بنظر به اینکه برای تملیل در تملیل لاریسه علنی مجلس بدون حضور روزنامه نگار و تماشاچی با ورقه و به طور مخفی اتخاذ می شود و ممکن بود که اکثریت مجلس به سپهبد رزم آرا که با قرار داد دموافق بود اظها رتعا بل نکند و قرار داد از مجلس بگذرد و این بود که برخلاف سنت متروپیت فرمان انتخاب او به نخست وزیر بدون کسب نظر از مجلس توشیح شد تا دولت خود را معرفی کند و به عده خود عمل نماید و چون بر شاه هر دولتی بعد از معرفی دولت به مجلس مطرح می شود و رای به برتیا م هم علنی است یعنی هر یک از نمایندگان که موافق است کارت سفید و هر کسی که مخالف است کارت آبی می دهد و اسم رای دهندگان روی کارت سفید و آبی هر دو نوشته شده و معلوم می شود با ید با مخالف کسب این است که بعضی از کلاه محافظه کار برای اینکه تا در لیست منتهی نوشته نشود در موقع اخذ رای به برتیا مدرای موافق می دهند تا اگر بعد از و ناع و احوال اجازت دهد با و کلاهی مخالف هم صدا شوند و دولت را ساقت نمایند لذا اکثریت قابل توجهی به برتیا مسه دولت رای داد و اینک نویسندگان قرار داد دنگس نوشته اند:

" اقلیت مجلس ۱۶ بدرهبری همین آقای دکتر مصدق رسماً همکاری خود را با دولت ایشان ( مقصود دولت مستور است ) اعلام نمود و همچنین:

هنکا می که به فرمان علیحضرت هما یونی مرحوم سپهبد

حاج علی رزم آرا به نخست وزیر منصوب گردید علاوه بر اقلیت با اکثریت ۹۱ رای در مجلس شورای ملی رای اعتماد گرفت از طرف اقلیت مجلس هم بدرهبری همین آقای دکتر مصدق هنگام اعلام قرار داد دنگس نمایران و شوروی به نام نخست وزیر همانا را لیه تبریک گفته صحب نیت و برخلاف واقع است زیرا که بینه منصور که تشکیل شده بود روز ۲ فروردین به مجلس معرفی شد و نمایندگان تهران بنجم ردیه پشت وارد مجلس شدند و تبریک قرار داد دنگس را از نمایران و شوروی هم دلییل موافقت اقلیت با دولت و نبود است. همه می دانند روزی که سپهبد رزم آرا برای معرفی دولت خود به مجلس آمدنخته های میز جلونمایندگان اقلیت آن قدر تکان خورد و به پایهای میز کوبیده شد که از بین رفت چنانچه اقلیت با دولت منصور دولت رزم آرا همکاری می کرد تا بسته نبود روی خود تا اقلیت بگذارد و چون اقلیتی چطور می توانست در آن دوره صنعت نفت را در سر کثورت ملی کند و ما ده واحد مربوط به ملی شدن صنعت نفت در سر کشور و نه ما ده اجرا شده آن از تصویب مجلس بگذرد.

و از اینکه صنعت نفت در سر کشور ملی شد و تمدید مدت ۲۲ سال به خودی خود از زمین رفت خدمت بزرگی به خندان پهلوی بکنند.

اکنون اما ردییل که مربوط به انتخاب ۲۱ نخست وزیر در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی و رای تمامیلی که به آنها داده شده است با ذکر مدارک و تاریخ نقل می شود:

از این آما معلوم شد که در دوره سلطنت علیحضرت محمد رضا شاه پهلوی مجلس شورای ملی نسبت به انتخاب تمام نخست وزیران غیر از آقای منصور سپهبد رزم آرا اظها رتعا بل تمامیل نمود است و علت آنرا از این اصل دربارها این دولت این بوده است که با بینه منصور محتل بود که بعد از آن سپهبد رزم آرا می با ید تشکیل دولت بدهد و قرار داد دنگس گلشنایان با بینه دولت و از مجلس بگذرد. چنانچه در یاد افتتاح دوره ۱۶ تقنینیه دولتی که این وظیفه را عهده دار شده بود روی کار می آمد و ممکن بود در مجلس ایجا دشتنج کند و هویت بعضی از نمایندگان آن دوره در همان اوایل کار معلوم شود و از آن پس کسی باقی نماند که برای گذرا نیدن قرار داد از مجلس بشوا ندروی آن حساب کند که با اینکه بعد از سپهبد که آقای حسین علاه نخست وزیر شد آن نمایندگان نمی که روی آنها حساب می شدند تا استندس از شش مجلس کاری صورت بدهند این بود که خواستند دولت منصور بطور محفل متصدی کارشود و ضمناً دوسا بقه هم ایجا دگرد که یکی انتخاب نخست وزیر بدون رای تمامیل مجلس بود که از آن در انتخاب سپهبد رزم آرا استناد شده و دیگری این بود که مجلس شورای ملی بدون حضور نمایندگان تهران افتتاح شود و یک چنین مجلسی با مجلس سنای مجلس مؤسسان سومرا تشکیل دهند که نسبت به هر دو موضوع توضیحاتی لازم است که داده می شود.

در ساعت ۱۱ و سه ربع جلسه تعطیل و جلسه آبی به ساعت ۸ صبح روز شنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۲۳ موکول گردید.



هفته نامه "متمدن" لیترا تورنا با گزینا  
میشویدکه :

اتحاد شوروی با دیده گسترش اسلام در  
درون مرزهای خود با چشمان بازنگرد.  
به نوشتن این هفته نامه، دست کم ۱۸۰۰  
مسجد زیرزمینی در شوروی فعالیت دارند.  
در این هفته نامه آمده است که سرویسهای  
امنیتی خارجی که در راه تضعیف رژیم  
شوروی عمل می کنند می گویند که کوششهای  
این مساجد را آلت دست خود سازند.  
در مقاله هفته نامه روسی بطریق متعارف  
برای این امر صحنه نهاده شده است که اسلام  
در بخشهایی از اتحاد شوروی عمیقاً ریشه  
بسته است و جوامع مخفی اسلامی که بسا  
دولت ما رکیستی شوروی مخالفت، در  
حال بالندگی و گسترده گئی اند.  
به نوشته این هفته نامه مسلمانان در  
جمهوری های آسیای شوروی، ازبکستان و  
ترکمنستان، که بعضی از آنان خود عضو  
حزب کمونیست شوروی هستند، جلسات  
مذهبی مخفی برگزار می کنند و مقبره  
مسلمانان ملی گرای شوروی را که در  
زمان جنگ (۱۹۴۹ - ۱۹۴۵) از ارتش شوروی  
کنا ره گیری کردند، زیارتگاه خود قرار  
داده اند.

به نوشته نویسنده هفته نامه روسی -  
گروه های زیرزمینی مبارز پیر و متوف،  
در پنج جمهوری آسیای مرکزی و در  
بخشهایی از قفقاز و جمهوری های  
خودمختار با شکر و ناتار گسترش  
یافته اند. هفته نامه روسی تصدیق  
مسلمانان شوروی را ذکر نمی کند، اما  
آمار غربی ها را نیز که از ۲۸۲ میلیون

# اسلام شوروی ستیز

جمعیت شوروی، ۴۵ تا ۶۰ میلیون تن  
را مسلمان بر آورده می کنند. به طرز  
تمسخر می گیرد.

با این همه گرجه تعداد رسمی مساجد از  
سوی دولت شوروی ۳۶۵ با اعلام شده  
است، واقعیت آن است که شمار مساجد  
از این رقم درمی گذرد. به عقیده  
نویسنده مقاله بهتر است دولت به این  
مساجد زیرزمینی حربه رسمی وقتا نشونی  
بخشد تا اداره آنها آسان تر گردد.

خطبه ها و جزوه های تحریک آمیز که دعوت  
به براندازی دولت شوروی دارد، به  
شکل های گوناگون و از جمله به تکلیف  
نوارهای کاست، منتشر و در دسترس  
نویسنده مقاله این نشریات را  
اسلامیزدات ( نشریات اسلامی زیرزمینی)  
می خوانند که نوعی بازی با لغت  
"اسلامیزدات" به معنای انتشارات زیر  
زمینی است.

نویسنده مقاله "بگوریلایا یسف"  
نویسنده جهان دیده و غربی دان روسی است  
که سالها به عنوان فرستاده ویژه در لبنان،  
ایران، کویت، افغانستان و دیگر  
کشورهای مسلمان زندگی کرده است و این  
مقاله یکی از رک ترین و صریح ترین

مقالاتی است که تا کنون در مطبوعات  
شوروی در باره مسلمانان و اسلام انتشار  
یافته است.

"بلیایف" در مقاله خود فهرستی از  
عرب شناسان غربی را ردیف می کند و از  
بعضی از ایشان انتقاد می کند و دسته ای  
را بنام دملامت می گیرد. اما صرف آوردن  
نام ایشان نشان می دهد که بلیایف  
نظریات آنان را جدی می گیرد.  
او در این مقاله از اسلام شناسان فرانسوی،  
الکساندرینسکین این گفته را نقل می  
کند که اسلام برای کمونیسم خطرناک تر  
است تا برای دموکراسی غربی.

به عقیده بلیایف، استراتژی براندازان  
غربی امیدوارند که با ریشه گزینی  
نا رضایی مسلمانان در جمهوری های  
آسیای شوروی، این جمهوری ها به  
"لستان های در درون مرزهای شوروی"  
تبدیل شوند.

وی همچنین ثابت می کند که اسلام مبارز  
با بیروزی اسرائیل در جنگ ۱۹۴۷ آغاز  
شد و با انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران  
به عقیده او برخی نظریه پردازان با نفوذ  
امریکایی مانند "زیگموند برونسکی"،  
مناورکا رتر در اموریات، اسلام را به

## ترازوی زندگی يك کارمند

سردبیر محترم نشریه قیام ایران

با عرض سلام و تشکر از زحمات شما در انتشار  
نشریه قیام ایران  
در شماره ۱۹۷ قیام تحت عنوان "گزارش  
تکان دهنده" خواندم که چگونه عده ای از  
کارمندان بازنشسته ارتش در حال گذشتن  
درامفهان دیده شدند می دانید تا چه  
اندازه تحت تاء شیر قرا و گرفتارم مخصوص  
آنکه خود تا سال ۶۴ کارمند رسمی شرکت  
مخابرات بوده و از زمانی که بخصوص برای  
طبقه زهموطنان نمی رود خوبی آگاهم.  
آنچه را که می خواهم بعرض برسانم آنکه  
نمونه ای تکان دهنده تر از آن چیز است  
که شهردارامفهان برای مسئولین جمهوری  
اسلامی گزارش می کند ولی این مورد را  
هیچکس نه با جانی گزارش داده و نه در هیچ  
جای دنیا منعکس گردیده است، اجازه  
دهید به اصل قضیه بپردازم و قضاوت را به  
عده خوانندگان عزیز بگذارم.

در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۱۵ ساعت ۱۰ صبح یکی از  
کارمندان شرکت مخابرات خاتمستان  
شماره ۲ واقع در میدان خود را از  
طبقه چهارم به پایین پرت می کنند.  
(البته این چهارمین نفر است که بعد از  
انقلاب جنم دست بخود کشی زده است) با

شنیدن چنین خبری همه کارمندان از  
ساختن تیرکون آمده و در حالی که همه  
گریه می کردند شعاری نیز می خوانند  
می دهند که سلاطین مومنین و پادشاهان  
سر رسیده و همه را متفرق می سازند ولی  
بعد از چند روز تا ماهی از همان کارمند  
به عده ای از کارمندان مخابرات از جمله  
یکی از دوستان شاد گل من می رسد (البته  
این نامه ها را چند روز قبل از خود کشی  
نوشته بوده است) که دوستم عین نامه را  
برای من می فرستد و اینجا بنویسم  
نامه را برایتان ارسال می دارم تا اگر  
ملاحظه نید جهت اطلاع سایر هموطنان در  
آن نشریه محترم چاپ گردد.

با تشکر محمود محمود زاده - آلمان غربی  
کوشینگن

من محمد علی احمدیان کارمند شماره  
۱۹۲۵، شاد گل دارم که حسابدار شرکت  
مخابرات متاهل و دارای ۲ فرزند می  
باشم در سال ۱۳۵۶ با دیلم حسابدار در  
شرکت مخابرات با حقوق ماهانه ۴۶۰۰

گونه مدافع بالقوه منافع امریکادر  
برای اتحاد شوروی می دانند و مشتاقانه  
فکر ترک شدن "بیمب اسلام" را در جمهوریهای  
آسیای مرکزی شوروی در سر می پروراندند.  
به عقیده بلیایف، توطئه پردازان غربی  
سرآن دارند تا یک "سقف بحران" از اسلام  
شوروی ستیز بوجود آورند که در آن از  
غرب به مراکش، و از شرق به ایران و  
پاکستان برسد و گردباد آسا به سوی شمال  
و درون شوروی رسوخ یابد.

نویسنده بخش عمده ای از مقاله خود را به  
جریان اخوان المسلمین اختصاص داده  
است. به عقیده وی، این جریان از دید  
با زحت حمایت و سرپرستی کشورهای غربی  
بوده است و ویژگی با رزان قشریگری  
شوروی ستیز آن است.

به عقیده او، هزینه مبارک مسلمانان که با  
جمعیت اخوان المسلمین در غرب ارتباط  
دارند، از سوی "سیا" و اینتلجنس  
سرویس و سرویس های مخفی فرانسه، و حتی  
موساد، سازمان امنیت اسرائیل، تا  
می شود.

وی می نویسد: اکثریت با رز "دشمنان"  
افغانی ها و زده ای که اتحاد شوروی برای  
مجاهدان افغانی مخالف رژیم کابل به  
کار می بردند، از اخوان المسلمین  
افغانی اند. او به عنوان شاهد گفته های  
خود از گروه های ای یاد می کند که در  
لبنان تشکیل شدند و در آن آخوندک های  
برجسته ایرانی و افغانی شرکت داشته  
و آشکارا از "سومین انقلاب اسلامی" که پس  
از دوا انقلاب اسلامی ایران و افغانستان،  
با بدد شوروی بوجود آید، سخن گفتند.

سندی تلگراف - ۲۸ مه ۱۹۸۷

همسر نیز مجبور بودگا هی در خانه  
همسایه ها لباشوشی کند تا اندک مزدی  
بگیرد.

همکار عزیز باورکن تا بدما ما هی فقط  
۲ یا ۳ بار گوشت یخ زده می خوردیم و  
هفته ای ۲ بار رنده کتیر برنج و کتیرا وقت  
غذای ما سیب زمینی پخته و نان و سبزی  
بود. دیگر من از همسر خود زرد بودن خود  
شرم داشتم و در مقابل فرزند نام زبدر  
بودن خود خجالت می کشیدم آخر من چگونه  
می توانستم پدری شوم و ز خریدن یک  
کیلو میوه برای زن و بچه مان توان و  
عاجز؟ وقتی فرزندم مرا پدر خطاب می  
کرد دل من خواست فریاد بزنم و بگویم  
نه من لیاقت آنکه پدر تو باشم ندارم.  
آه چه شب ها که در دل گریستم و چه رنج ها  
که در دل کشیدم. همکار عزیزم اگر سرا  
شمی شناسی ولی مطمئنم حرف مرا می فهمی  
چرا که من و تو از یک خانواده ایم و این  
خانواده متعلق به یک اجتماع و این اجتماع  
من و تو و فریفته سه یک دروغ بهر حال  
اکنون که این نامه را برایت می نویسم  
دیگر در میان شما همکاران خوب نیستیم  
ولی از شما می خواهم فریاد گریه صدای  
خاموش من بشنود و با خدا و انسانیت  
اگر توانستید خانوادهم را یاری دهید.  
با شدت با آرزوی بیشتر سربهدیبار  
نیستی بسیارم.



بیستمین سالگرد

# جنگ شش روزه

بقیه از صفحه ۳

بین المللی، تا شب خبری از پیروزی سریع خود نمی دهند. ملک حسین، شب پیش تلگرافی از نخست وزیر اسرائیل، اشکول، دریافت کرده که در آن بابت وری شده که اگر اردن آرام بماند از حمله در آن خواهد بود. ولی پادشاه اردن در طول مرز و بخصوص در اورشلیم، سه ساعت پس از آغاز نبرد در سینا، جنگ را آغاز می کند. قسمت یهودی نشین شهر را بمباران می کند. سوری که در طول مساه گذشته، بسیار رلاف شجاعت زده است عملاً، جز چند بمباران و حمله هوایی بی حاصل، حرکتی نمی کند.

در نیویورک شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تشکیل جلسه و بحث در باره آتش بس دعوت می شود.

**روز دوم:** نیمه روز اسرائیلی ها خیر فتح غزه را می دهند. عمده نیروهای احمد شکیری، سیر شده اند. در صحرای نبرد های شدیدی، بخصوص پای کوه سینا در گرفته است. نیروهای اسرائیلی سعی در پیشرفت سریع دارند تا طرف متخاصم را از زمین باز بردن به کرا نه غربی کانال سوئز باز دارند. هشت تیپ اسرائیلی در شش نقطه از مرز ماوراء اردن می گذرند. نیروهای اردنی علی رغم مقاومت شدید زیرسرجباران های مداوم تاب مقاومت نمی آورند. اسرائیلی ها بعد از مدت کمی تردید به علت ترس از یک عکس العمل نامساعد امریکائی ها - به نیروهای خود دستور می دهند که به قسمت عرب نشین اورشلیم وارد شوند. نبرد تا صبح روز بعد ادامه می یابد. درجه سوری بر خورده ها محدود است.

**روز سوم:** در قسمت کهنه اورشلیم سربازان اسرائیلی به "دیوار رندبه" می رسند. نزدیک ظهر وزیر شرایع اسرائیل به محل وارد می شود. مراسم مذهبی بجا می آید و کمی بعد از او وزیر دفاع، موشه دایان، از راه می رسد. اسرائیلی ها برای آرامش خاطر مسلمانان و مسیحیان اعلام می کنند که بیروان تمام مذاهب می توانند آزادانه به این قسمت شهر رفت و آمد کنند ولی این اعلامیه مانع نمی شود که روز ۲۸ ژوئن پیمان اسرائیل با تفاسق آراء به الحاق قسمت عرب نشین به اسرائیل راهی دهد.

مهمان عزیز  
هر روز تلفن خردی جهت مقابله و متنی ایران از ساعت ۱۱ صبح شمارا در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵-۹۰-۴۰۵  
ایران

روز چهارشنبه ۷ ژوئن، بنظر می رسد که جنگ به پایان رسیده است. نیروهای اسرائیلی بطور نا مرتب به کانال سوئز می رسند و شرم لشیخ را که مسلط بر تنگه تیران است اشغال می کنند. اسیران مصری از ۱۲ هزار نفر تجاوز می کنند. هزاران فلسطینی دیگر به عمان پناه می برند. ملک حسین که در آن واحد ماوراء اردن و اورشلیم شرقی را از دست داده است، آتش بس را که از طرف شورای امنیت برای ساعت ۲۰ تعیین شده، می پذیرد. ولی عبدالنا صرمی -

**روز چهارم:** در نیویورک دبیرکل سازمان ملل متحد، در میان حیرت عمومی، اعلام می کند که جمهوری متحد عرب (مصر) آتش بس را پذیرفته است. در حالیکه چند دقیقه پیش از آن نماینده شوروی تصدداست تقاضا کند که در شرط آتش بس عقب نشینی نیروهای اسرائیلی به مواضع اولیه عقید شود.

به این حساب، سوری تقریباً "لطمه ای ندیده است. ولی یک هیئت نمایندگی از اهالی اسرائیل ساکن منطقه مجاور بلندی های جولان در نخست وزیر اسرائیل متحمن می شوند و تقاضا می کنند که ارتش اسرائیل را اشغال کند تا اهالی از تیراندازی های سوری راحت شوند. موشه دایان ارتش عکس العمل تندشوروی تردید می کند.

**پنجمین روز:** صبح، موشه دایان به ارتش دستور می دهد که بلندی های جولان را تصرف کند. نبرد خونین ۲۷ ساعت ادامه می یابد. ولی اول شب واقعه دیگری آثر موقتا "از یاد می برد. عبدالنا صرمی صفحہ تلویزیون های دنیای عرب بطور مستقیم ظاهر می شود و با صدا می دهد. واقعیت شکست را می پذیرد و اعلام می کند که زحمت خود را متعذ می دهد.

در قاهره و بیروت، حتی قبل از اینکه او سخنان خود را تمام کند، مردم بطور طبیعی به کوه و خیابان می ریزند. شب پر تپ و تابی آغاز می شود که تظار هر کسنگان اسم رئیس (ناصر) را فریاد می زنند. ملتی که بعد از ده سال نا صورا به علت بازگرداندن غروردنیای عرب پرستیده بود بجا اینکه مسئولیت شکست را به گردن رهبر بینه اندازد، می خواست خود را در مصیبت شکست شریک بداند. نظا هرات مردم آنچنان اوضاع را در شهرهای مصر پرور کرده بودند که ناچار شد استعفا ی خود را، سه ساعت بعد از اعلام آن، منعلق کند.

**روز ششم:** صبح شنبه ۱۰ ژوئن، نا صرمی اعلام کرد که استعفا ی خود را پس می گیرد. انفجار رشاد در شهرهای مصر قابل توصیف نیست. این استعفا اگر نتوانست شکست را به پیروزی تبدیل سازد لاف موفقی شد که تحمل آنرا بقبولاند. در همین لحظات دمشق سقوط کونتر را اعلام می کند.

ارتش اسرائیل بر بلندی جولان مسلط شده است. سینا، اورشلیم، ماوراء اردن را در تصرف دارد و در هر کیلومتری دمشق است. ساعت ۱۳ شوروی قطع روابط دیپلماتیک خود با اسرائیل را اعلام می دارد. ساعت ۱۸ وسی دقیقه غرس تویها در جبهه سوریه خاموش می شود.

### صلح مضحك

قطعا مه ۲۴۲ سازمان ملل: روز ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷، پنج ماه بعد از جنگ، شورای امنیت ملل متحد با تفاسق آراء قطعنامه ۲۴۲ را - که از بیست سال پیش ازین تا کنون پیگانه حقوقی طرح - تصویب کرده است. با تفاسق آراء تصویب کرد.

اخیراً "با سرعقات بوقبولی" تمام قطعنامه های سازمان ملل متحد "تأکید کرد و برای اولین بار، این بوقبولی را صریحاً "بر قطعنامه ۲۴۲ تسری داد.

اصول قطعنامه مذکور توصیه "معاوضه سرزمین های اشغالی با صلح" است. ایها م آن از اینجانشانی می شود که از متن انگلیسی:

"withdrawal from territories occupied..."

نمی توان دریافت که آیا اسرائیل خواسته شده "تمام سرزمین های اشغالی" را پس بدهد یا فقط بعضی از آنها را. مشکل دیگر که بعد از آشکارا شده اینست که در ماه نوامبر ۱۹۶۷ اعفاء شورای امنیت لازم ندیده اند از ملت فلسطین به صراحت نام ببرند و تنها به این اکتفا کرده اند که راه حلی برای "مسئله پناهندگان" بیابند.

سلیم نصیب



## درخواست اشتراك

بهای اشتراك: پانزده ساله ۲۴۰ فرانك فرانسه -

شش ماه ۱۲۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

ایستاد (نام و نام خانوادگی بسته فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

ما به شما توصیه می کنیم که برای دریافت مجله ما به حساب بانکی فرانسه به حساب پستی شماره ۱۱۶۲۴۷۰۰۲۰۰

تاریخ: امضاء

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN  
C.C.P No: 2400118/E  
PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN  
Crédit du Nord  
78, Rue de la Tour  
75116 Paris  
Compte No: 11624700200

### توجه لازم

بنا بر تفاسق ما می اشتراك را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه های که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

بقیه از صفحه ۷

## وحشی بافقی و مکتب وقوع

رسانه های گروهی (رادیو، روزنامه و تلویزیون) بر سر زبان ها افتاد و روزی هشتصد نفر در تهران و سیاستمداران جاری شده است. استاذ دین این دو کلمه را در نوشته خود به معنی درست آن ها به کار برده اند.

\*\*\* جنبش به فتح اول: اسب بدک و خیل، کرده اسبان را گویند.

\*\*\* آزار: ناخوشی و بیخاری، این کلمه تا پنجاه سال پس نیز به همین معنی در زبان فارسی به کار می رفت.

\*\*\* برنا فن: تحمل کردن، ورنه تا بد: تحمل نمی کند.

\*\*\* ترکیب بند عبارت است از چند غزل، به یک وزن، با قافیه های گوناگون، که هر غزل با معنی به همان وزن و با قافیه ای جداگانه غزل بعدی می پیوندد. هر یک از این غزل ها را یک "بند" و بسط میان دو غزل را "بست ترکیب" گویند. ترجیع بند نیز عبارت است از همین صورت است با این تفاوت که در میان بندها فقط بسط است که همواره در یک راستا می شود و آن را "بست ترجیع" گویند و حال آن که بست ترکیب، در هر بند، تغییر می کند. اکنون اگر ما غری ترکیب بندی سازد که هر "بند" آن را فقط دو بیت - یعنی چهار مصرع - داشته باشد آن را "ترجیع ترکیب" (ترکیب بندی دارای بندهای صریح معنی چهار مصرع) نامند و اگر هر بند از ترکیب بند دارای شش مصرع باشد، بر همین قیاس آن را "مستط ترکیب" گویند. این تا لب غری با "مسط" بسیار شبیه است و در این گفتار نمی توان بدست تفاسق و من آن دوسرداخت.

**بقیه از صفحه ۱**  
چون مخالفت با آزادی یا محدود کردن آزادی یک مسأله است، تحریف آزادی مسأله دیگری است، حجت الاسلام خامنه‌ای و سایر سخنگویان جمهوری اسلامی سعی شان بر اینست که با شست و شوی مغزی، دریا قوت صحیح مردم ایران را از کلمه "آزادی" مخدوش کنند و تصور دیگری از مفهوم آزادی بجای آن بنشانند. آخوندجماعت درین فن استاد است خاصه وقتی قوی ترین و سبب تبدیلینا تی را در یک جا مته‌مدا رسته‌بسه اختیاردا شته‌با شد و تبلیغات را مانند شعبده‌بازان بدرجه چشم‌پندنی برسانند. ملامیرزای محقق شیروانی روزی در مدرسه سربل حوض آب نشسته بود و با طلاب مباحثه می‌کرد. خواست قدرت سفسطه را به آنها تفهیم کند. هفتاد دلیل اقامه کرد که آن حوض آب ندارد، آنچنان سوا هیمن و ادله بیست و هفتم چیده که طلاب از جواب عاجز ماندند و تسلیم شبهه شدند. ملامیرزا دست در حوض کرده و شستی آب بر سروروی طلاب یا شیده و گفت همین یک دلیل برای ابطال همدان بر همین کافی است! وقتی با سفسطه‌بیتوان طلاب مدرسه را که خود اهل جدال اند نسبت به وجود آب یعنی چیزی که به چشم خودشان می‌بینند، دچار تردید کردا بجا دشبیه نسبت به مفهوم کلمه "آزادی" در دل مردمی که شب و روز زیر بارانی از تبلیغات سفسطه‌آمیز قرار دارند کار مشکلی نخواهد بود، ولی برای اثبات اما لست آزادی فقط یک دلیل کافی است و آن اینست که اگر آزادی وجود داشت این چنین حکومتی پیدا نمی‌شد که رئیس جمهوری اش جرات کند تعبد و سربدگی و اطاعت کورکورانه و محدودیت‌اندیشه‌ویان را "آزادی" بنامد و مدعی شود فقط این نوع "آزادی" از نظر اسلام قابل قبول است و ما آزادی دیگری را "آزادی" نمی‌دانیم.

"فراق علی فودا" نویسنده و سیاستمدار مصری در مقاله‌ای که برای مجله "شپگل" آلمان نوشته است (در قیام ایسیران پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ملاحظه فرمودید) از اینکه متفکران اسلامی ساکت نشسته اند و به قدرت طلبان فرصت می‌دهند اسلام را که ذاتا "مدا را گراست دستا و بیز تقض آزادیهای انسانی و احیاء سنتهای استبدادی کننده، نگرانی عمیق خود را بر زمین‌آردومی نویسد:

### نامه سرگشاده

### دکتر شاپور بختیار

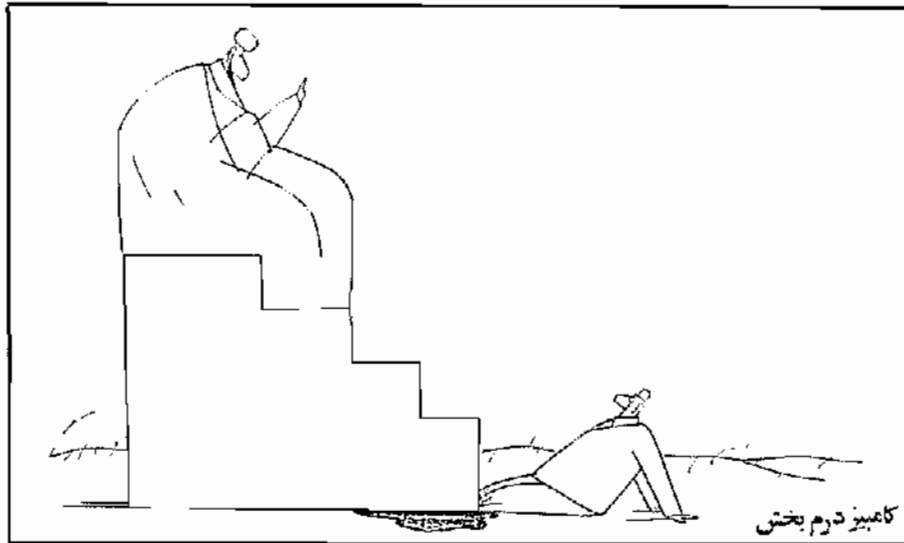
**بقیه از صفحه ۱**  
**به ریکان**  
منافع اقتصادی و سیاسی خود، با وجود اهانتهای مستمر روسی شرمناکه، وحشی و حوش عما مبر، که نشان رتانه همواره در صدتماس و دلجوئی و معامله با اقلیت فاسد و زورگویی حاکم ایران بوده‌اید، آقای رئیس جمهوری،

شما این را خوب میدانید که رژیم کنونی ایران نماینده مردم ایران نیست و فقط با زور و اختناق، در خاک رچودا خل کشور، خود را نماینده ملت ایران معرفی میکند. نماینده سویی همین گروه فاسد و وحشی دست دوستی دراز می‌کنید، با دزدان و

## آزادی یعنی آزادی

"آزادیهای اسلامی و آزادیهای مسیحی خاصی وجود ندارد، آزادی بشر تقسیم‌ناپذیر است." کاری که رژیم خمینی با اسلام می‌کند حکایت همان کسی است که بر سر شاخ نشسته بود و این شاخ را می‌بیرید. ما در آستانه قرن بیست و یکم زندگی میکنیم. بشر این عصر به استبداد، به ارتجاع، به بردگی، به اطاعت کورکورانه، به خرافات و موهومات سر تسلیم فرود نمی‌آورد. می‌توان با زور شروع حاکمیتی را بر مردم

مبنای فرمان واجب الامر و احکام تخلف‌ناپذیر و غیر قابل جرح و بحث قرار گرفته. با شد حکمرانان که قدرت و سلطه خود را از تعرض محو می‌بینند هر روز جری‌تر میشوند و کارشان بدقتا و تحکیم می‌گردد. آخر الامر بنفش و کینه‌ی که در دلها جمع شده است بقدری شدت و قوت پیدا می‌کند که سدها را می‌شکند و مردم زنجیرها را پاره می‌کنند و دیوانه‌سوار دست‌انتقام‌آزاستین بدرمی‌آورند. هر جا که یک اقلیت زما قدرت را بدست



کامبیز درم بختی

گرفته‌با استبداد حکومت‌کننده بین قبیل انقلاب‌های شدید حتما "رخ می‌دهد ولی چنین انقلابی و لیاوت‌کننده برای رهیدن از زیر بار استبداد، حداقل کم‌ضروری باشد و سبب خوبی برای ایجاد دفع بهتر و دنیای آسوده‌ترینست، چرا؟ بجهت آنکه بین انقلاب نتیجه‌بخش است و کسانی که کینه حکمرانان را برادر دل گرفته‌اند همین که قدرت بدستان افتاد معامله به مثل می‌کنند و جنایات و ستم‌هایی را که باعث شورش و طغیان خودشان بوده است نسبت به دیگران مرتکب میشوند و بدین ترتیب مفا سدی بوجود می‌آید که دست‌کمی از مفا سسد پستی‌نندارد!

مصا دیق این سخن حکیمانانه را ما در همین روزگار رو چشم خودمان می‌بینیم ولی با زاشخاصی که قدرت کورشان کرده

تعمیل کرد ولی وقتی حاکمیت می‌شود ایده‌ولوژی مبتنی باشد مشروعیست حاکمیت واید. ولوژی بکجا زیر سؤال میرود، وقتی حاکمیت به استناد اصول فلسفه سیاسی یا مذهب خاصی خونست و استبداد و ارتجاع را بر مردم تحمیل می‌کند طبعاً این اندیشه قوت می‌گیرد که لابد آن ایده‌ولوژی است که ذاتا "آزادی و آزادی‌دفعی و تحول و تنگامسل را تا بنمی‌آورد پس باید برای برافکندن مکتب تلاش کرد و اولاً بین ملای مکتب‌دار برود ملای دیگری بجایش خواهد نشست. "برتر اندر اسل" متفکر شهیر انگلیسی می‌گوید:

"آنجا که مردم بتوانند حرفشان را بزنند و دردشان را بیان کنند عقده‌ها شکافته می‌شود و بعضی وقت‌ها در دلها جمع نمی‌شود. اما در هر مملکتی که حاکمیت بر

است همان راهی را می‌روند که دیگران رفتند و بدیهی است به همان چاه‌هایی می‌افتند که دیگران افتادند. حجت الاسلام خامنه‌ای می‌گوید: هر بیانی که شریک در توده مردم برانگیزد یا در جامعه تشنج بوجود آورد مطابق حکم اسلام ممنوع است چرا که قرآن در سوره احزاب میفرماید: "مرجفون" را باید ریشه‌کن ساخت و "مرجف" یعنی کسی که با سخن، شایعه پراکنی، موضع‌گیری و اظهار نظر خود جوجا معرا به تشنج می‌کشد!

ازین بهتر نمیتوان قرآن را مستنسد استبداد و اختناق قرار داد. با حکمی که حجت الاسلام خامنه‌ای از بن قرآن بیرون کشیده است هر کسی سخنی بگوید که ظن "موضع‌گیری و تشنج آفرینی" به آن برود "مرجف" محسوب میشود و حکومت حق دارد ریشه‌ها را بکند!

حجت الاسلام ازینهم جلوتر می‌رود و می‌گوید: سبب مسجدی را آتش زدن سبب است اینک شنیده بودا سخا می‌در آنجا جمع می‌شوند و با هم دیگر تبادله نظری کنند و خوراک برای تشنج آفرینی در جامعه بوجود می‌آورند!

پس نه فقط کسی را که حرف می‌زند باید کشت، هر جا را هم که مرکز مبادله فکری باشد و حرفی از آن بیرون بیاید باید آتش زد و تا بود کرد خواه مجمع ادبی و کتابخانه و روزنامه و جلسه سیاسی و حزب باشد، خواه سینما، خواه مسجد یا اینها جزئی از احتجاجات و افتادات حجت الاسلام... و المسلمین سید علی آقا خامنه‌ای است در مباحثی که به عنوان آزادی و اسلام

بیش می‌کند. حجت الاسلام می‌گوید: "حالا جنجال کشیده‌ای بین برخلاف روش‌های دمکراسی غربی است و دمکراسی غربی این را قبول ندارد، خوب، در بسیاری از موارد ما هم دمکراسی غربی را اصلاً قبول نداریم. آن آزادی که دمکراسی غربی مطرح می‌کند آزادی نیست بلکه فتنه، دروغ و فریب است..."

دفاع از اسلام بر عهده اسلام‌شناسان است ما فقط میتوانیم اطمینان بدهیم بیاجلیاتی ازین قبیل، آزادی را نمی‌توان زیر سؤال برد. شایه‌هایی مثل آقای خامنه‌ای حقیرتر از آنند که مفهوم استبداد و سربدگی را بجای مفهوم مقدس "آزادی" در ذهن مردم بنشانند. آزادی یک معنی بیشتر ندارد. آزادی یعنی آزادی!

در پایان این راه هم، برای آیند، ما دقانه‌ها فاه‌کنم که هر گروه یا دولتی را که شما بخواد هیدا ز حکم حکومت ملایان بر ملت ایران تبدیل کنید، جز پاشین آوردن اعتبارتان و تشدید مبارزه مردم ایران، که یک مبارزه بود و نبوده است، نمردیگری نخواهد داشت.

شاپور بختیار  
اول ژوئن ۱۹۸۷

**نشانی:**  
QYAM IRAN  
C/O C.B.  
17, bd RASPAIL  
75007 PARIS  
FRANCE

**ایران هرگز نخواهد مرد**